

نمونه سؤالات استاندارد و مفهومی

و حل تمرینات و فعالیت های کتاب درسی

فلسفه یازدهم انسانی (دروس ۱ تا ۶)

چاپ ۱۴۰۰

تالیف از:

سید احمد صمدانی اقدم

سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

***تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام عبارت غلط می باشد:**

- ۱- در میان انبوه افکار ، مسئله ها ، و اعمال روزانه گاه و بی گاه برقی از سوال های ویژه می جهد.
- ۲- عموم آدم ها، برقها ی جهنده رادردقایقی از ساعات روزیا هفته یاسال مشاهده کرده اند، اما اغلب از آن عبور کرده و درباره آن ها نیندیشیده اند.
- ۳- هنگامی که یک فرد به نحو جدّی به یکسری پرسش های ویژه و اساسی پردازد و رسیدن به پاسخ آنها دغدغه خاطر او شود ، وارد تفکر فلسفی شده است حتّی اگر کارگر با فیزیک دان یا پزشک باشد.
- ۴- تفکر فلسفی لازمه زندگی هر انسانی نیست.
- ۵- اندیشیدن در باره سوالات فلسفی ، در زندگی انسان ضرورتی عام و همگانی است.
- ۶- انسان بدون تفکر هم می تواند کاری را انجام بدهد.
- ۷- تفکر فلسفی و نیز اندیشیدن درباره سوال های ویژه و اساسی یک ضرورت عام و همگانی است.
- ۸- پرسشگری و کنجکاوی از ویژگی های انسان است که از همان دوره نوجوانی با کلمه «چرا» ظهور می کند.
- ۹- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سوال های ویژه و اساسی موجب ظهور دانشی به نام "فلسفه" گشته است.
- ۱۰- کسی که به تفکر فلسفی رسید، از تفکر در حوزه فطرت اول بی نیاز می شود.
- ۱۱- ملاصدرا ماندن در فطرت اوّل را شایسته انسان نمی داند و از انسان ها می خواهد که بکوشند از فطرت دوم عبور کنند.
- ۱۲- فیلسوفان کسانی هستند که به مسئله ویژه و اساسی به صورت قانونمند و تخصصی می پردازند و پاسخهای دقیقی به این قبیل سوال های می دهند.
- ۱۳- کلمه فیلسوفیا به معنی دوستدار دانایی است.
- ۱۴- واژه فلسفه در اوایل اختصاص به این دانش خاص نداشت و همه دانش ها را شامل می شد.
- ۱۵- دانشمندان زمان سقراط و قبل از او خود را سوفیست یعنی دانشمند می خواندند.
- ۱۶- دغدغه همه سوفیستها، که بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود.
- ۱۷- سوفیست های پیروزی بر رقیب رامهم ترین هدف می دانستند و از این رودر استدلالهای خود بیشتر از مغالطه کمک می گرفتند.
- ۱۸- با گذشت زمان و پیشرفت دانش های مختلف، بر هر یک از شاخه های دانش نام ویژه ای گذاشته شد و به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش عام به کار رفت.
- ۱۹- فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند و این، تفاوت اساسی فلسفه با سایر دانش های عرفانی است.
- ۲۰- عالم تجربی در اصل و حقیقت جهان ، طبیعت و انسان کاوش می کند.
- ۲۱- مسائل فلسفی را می توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست و جو در طبیعت حل کرد و پاسخ داد.
- ۲۲- مسئله های فلسفی مانند مسئله های ریاضی ، فقط با عملیات فکری می توان به حل آن ها پرداخت.

۲۳- برای کسب دانش در علمومی مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی، اقتصاد و جامعه شناسی از روشهای عقلی استفاده می کنیم.

۲۴- در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، می توان از حواس یا آزمایش بهره برد.

@جواب ها:

۱- ص ۲- ص ۳- ص ۴- غ ۵- ص ۶- غ ۷- ص ۸- غ ۹- ص ۱۰- غ ۱۱- غ ۱۲- ص ۱۳- غ ۱۴- ص ۱۵- ص

۱۶- غ ۱۷- ص ۱۸- غ ۱۹- غ ۲۰- غ ۲۱- غ ۲۲- ص ۲۳- غ ۲۴- غ

***جاهای خالی را با کلمات مناسب پُر کنید:**

۲۵- هنگامی که برای انسان پرسش های جدی و بنیادین متفاوت با مسائل هر روزه مطرح شده و دغدغه او می شود، وارد..... شده است.

۲۶- تفکر، واسطه رسیدن انسان از به و از پرسش ها به پاسخ هاست.

۲۷- لازمه زندگی هر انسانی تفکر..... است.

۲۸- از نظر ملاصدرا..... مرحله ای برتر و عالی تر است.

۲۹- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند موجب ظهور دانشی به نام..... شده است.

۳۰- کسی که واژه فیلسوفیا را بر سر زبان ها انداخت و عمومی کرد، فیلسوف بزرگ یونان بود.

۳۱- تفاوت فلسفه با سایر علوم، تفاوت در است.

۳۲- تفکر فلسفی در حقیقت، یک ضرورت..... و..... است.

۳۳- دانش..... عهده دار بررسی روشمند سوالات فلسفی و بنیادین است و..... به صورت تخصصی به این مسئله

پرداخته اند.

۳۴- لفظ فلسفه ریشه..... دارد و مرکب از کلمات، فیلوبه معنای..... و سوفیا به معنای..... است.

۳۵- دانشمندان پیش از سقراط خود را به معنی..... می خوانند.

۳۶- سقراط قطعاً به دلیل..... و احتمالاً به دلیل..... نمی خواست سوفیست خوانده شود، بلکه از لفظ..... به

معنای..... استفاده می کرد.

۳۷- سوفیست ها بیشتر به تعلیم..... و..... اشتغال داشتند و بر آموزش فن..... تاکید می کردند.

۳۸- سوفیست ها در استدلال های خود.....می کردند.

۳۹- مغالطه استدلال های به ظاهر.....اما در واقع.....است.

۴۰- واژه به مرور زمان ارتقاء معنایی و واژه.....تنزل معنایی یافت.

۴۱- کلمه سوفیست (دانشمند) مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم به خود گرفت و کلمه سفسطه هم که در زبان عربی از لفظ سوفیست گرفته شد، معنای پیدا کرد.

۴۲- کلمه سفسطه در زبان عربی از گرفته شده و معنای رایج آن.....است.

۴۳- رفته رفته کلمه فیلسوف به مفهوم ارتقا پیدا کرد و کلمه فلسفه نیز مترادف با شد.

۴۴- هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می کند. دانش ریاضیات درباره..... است. شیمی درباره..... میان آنهاست. اخلاق..... است.

۴۵- سایر علوم نیز هر کدام به موضوعی از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می پردازند و بحث می کنند.

۴۶- فلسفه در و..... مسئله ها و موضوعات جهان و انسان، بحث می کند.

۴۷- اگر کسی بپرسد: «آیا طبیعت همواره همیشه یکسان عمل می کند» برای پاسخ به این سوال باید سراغ..... رفت.

۴۸- روش فلسفه در حل مسائل روش..... است که از این حیث شبیه..... است.

۴۹- وحدت بخش تمام بحث های فلسفی توجه به مسئله هاست.

۵۰- مسئله های فلسفی مانند مسئله های فقط با عملیات می توان به حل آن ها پرداخت.

۵۱- فیلسوف در اصل و حقیقت جهان ، و کاوش می کند.

@جواب ها:

۲۵- (تفکر فلسفی) ۲۶- (مجهولات / معلومات) ۲۷- (فلسفی) ۲۸- (فطرت ثانی) ۲۹- (فلسفه)

۳۰- (سقراط) ۳۱- (موضوع) ۳۲- (عام - همگانی) ۳۳- (فلسفه - فیلسوفان) ۳۴- (یونانی / دوستداری / دانایی)

۳۵- (سوفیست / دانشمند) ۳۶- (تواضع و فروتنی / هم ردیف نشدن با سوفیست ها / فیلسوف / دانشمند)

۳۷- (سخنوری / وکالت / سخنوری) ۳۸- (مغالطه) ۳۹- (درست / غلط) ۴۰- (فیلسوف / سوفیست) ۴۱- (مغالطه کار / مغالطه

کاری) ۴۲- (سوفیست / مغالطه کاری) ۴۳- (دانشمند / دانش) ۴۴- (مقدار و کمیت / ساختمان مواد و ترکیب / درباره چگونگی

کسب فضیلت ها و دوری از بدی ها) ۴۵- (خاص) ۴۶- (بنیادی ترین و نهایی ترین) ۴۷- (فلسفه علوم طبیعی) ۴۸- (تعقلی /

ریاضیات) ۴۹- (بنیادی ترین) ۵۰- (ریاضی / فکری) ۵۱- (طبیعت / انسان)

* گزینه ی صحیح را انتخاب کنید:

۵۲- ویژگی های فلسفه در کدام گزینه از گزینه های زیر ذکر شده است؟

۱) بنیادی ترین مسئله ها وموضوعات - استفاده از روش عقلی واستدلالی

۲) ابتدائی ترین مسئله ها وموضوعات - استفاده از روش عقلی واستدلالی

۳) استفاده از روش حسی و تجربی- بنیادی ترین مسئله ها وموضوعات

۴) استفاده از روش حسی و تجربی- ابتدائی ترین مسئله ها وموضوعات

۵۳- تفاوت اساسی فلسفه با سایر دانش ها در کدام گزینه دقیق تر بیان شده است؟

۱) فلسفه درباره بنیادی ترین ونهایی ترین مسئله ها وموضوعات جهان وانسان بحث می کند.

۲) سایر دانش ها درباره بنیادی ترین ونهایی ترین مسئله ها وموضوعات جهان وانسان بحث می کند.

۳) سایر دانش ها ، در هر موضوعی به دنبال نهایی ترین پرسش ها درباره چیستی وچرایی امور هستند.

۴) فلسفه را نمی توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست وجو در طبیعت حل کرد وپاسخ داد.

جواب سوالات تستی:

۵۲- (گزینه ۱)، ۵۳- (گزینه ۱)

۵۴- هر یک از گزینه های ستون راست با یکی از گزینه های ستون چپ مناسبت دارد، آنها را در کنار هم بنویسید؟

۱) لازمه زندگی هر انسان ویک ضرورت عام وهمگانی الف- ویژگیهای تفکر فلسفی

۲) توجه به بنیادی ترین مسئله ها وموضوعات - استفاده از روش عقلی واستدلالی ب- تفکر فلسفی

۳) فقط با عملیات فکری می توان به حل آن ها پرداخت وشبیه به مسائل ریاضی ج- مسئله های فلسفی

د- تبیین عقلانی امور

@ جواب ها:

۱- (ب) ۲- (الف) ۳- (ج)

* پاسخ کوتاه دهید:

۵۵- علاوه برسوالات روزمره زندگی، چه سوالات دیگری گاه وبی گاه در ذهن شکل می گیرد؟ چند نمونه از مهم ترین آن

هارا بنویسید. مهم ترین سوالات می تواند این باشد که: ۱- از کجا آمده ام؟ ۲- چرا آمده ام؟ ۳- به کجا می روم؟

۵۶- دو مرتبه تفکر رافقط نام ببرید؟

۱- تفکر غیرفلسفی ۲- تفکر فلسفی

۵۷- دونمونه ومثال از تفکر فلسفی وغیرفلسفی رابنویسید؟

امروز چه لباسی بپوشم، چه غذایی بخورم و... (تفکر غیرفلسفی) چرا درد و رنج هست؟ خوشبختی و سعادت در گرو چیست؟ آیامی توان به آن رسید؟ و... (تفکر فلسفی)

۵۸- چه هنگام انسان قدم به عرصه تفکر فلسفی می گذارد؟

هنگامی که پرسش های بنیادین و اساسی برای انسان مطرح شده و دغدغه خاطر او شود .

۵۹- چه نوع تفکری لازمه زندگی هر انسانی است؟

تفکر فلسفی

۶۰- مراحل اندیشه ورزی و تفکر در انسان راتکمیل کنید؟

۱- روبه رو شدن بامسئله ۲- ۳- تفکر در اندوخته ها ۴-

جواب: طرح سؤال / رسیدن به پاسخ

۶۱- مراحل تفکر فلسفی و دریافت فلسفی رابه ترتیب نام ببرید؟

روبه رو شدن بامجهول هاومسئله های فلسفی طرح پرسش های فلسفی رجوع به معلومت و تفکر در اندوخته ها وانتخاب معلومات مناسب با سؤال رسیدن به دریافت فلسفی وتحقق شناختیمعرفت

۶۲- اهمیت تلاش برای یافتن پاسخ پرسش های بنیادین در حیطه تفکر فلسفی چیست؟

شکل گیری نحوه زندگی، رفتار و گفتار انسان.

۶۳- چه دانشی عهده داربررسی روشمندسوالات اساسی انسان است و چه کسانی به صورت تخصصی به آن پرداخته

اند؟ فلسفه- فیلسوفان

۶۴- ریشه فلسفه از کجا گرفته شده و عربی شده از چه کلمه ای است؟

لفظ فلسفه ریشه یونانی دارد و مرکب از کلمه «فیلو» به معنای دوستداری و «سوفیا» به معنای دانایی است.

۶۵- چه کسی لفظ «فیلو سوفیا» را بر سر زبان ها انداخت و عمومی کرد؟ سقراط

۶۶- سیر تاریخی کاربرد فلسفه به ترتیب بنویسید؟

۱- فلسفه به معنای دوستداری دانایی ۲- فلسفه به معنای مطلق دانش ۳- فلسفه به معنای دانش خاص

۶۷- معنای اولیه و رایج واژه های «فلسفه»، «سوفیست»، «فیلسوف» کدام است؟

اولیه: فلسفه ← دوستداری دانایی - سوفیست ← دانشمند - فیلسوف ← دوستدار دانش

رایج: فلسفه ← دانش - سوفیست ← مغالطه کار (تنزل معنایی) - فیلسوف ← دانشمند (ارتقای معنایی)

۶۸- سوفیست ها در باره حقیقت و واقعیت، چه اعتقادی داشتند؟

برای حقیقت و واقعیت اعتباری قائل نبودند و می گفتند هر کس هر چه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.

۶۹- تمایز و تفاوت هر دانشی با دانش های دیگر از چند جهت است؟ بنویسید.

اساساً هر دانشی از دو جهت از سایر دانشها متمایز و جدا می شود:

الف- از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می کند.

ب- از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می گیرد.

۷۰- ویژگی های فلسفه کدام است؟ ۱- موضوع فلسفه، بنیادی ترین موضوعات ۲- استفاده از روش عقلی و قیاسی

۷۱- چند مسئله از مسئله هایی که در فلسفه کاربرد دارند نام ببرید؟

پژوهش های تجربی، تاریخی، نقلی، ذوقی و ادبی، به حوزه های دیگر دانش، مثل علوم طبیعی، تاریخ، دین، ادبیات

و عرفان تعلق دارند و نمی توانند در حوزه مسائل و پرسش های فلسفی کاربرد داشته باشند.

۷۲- سه نمونه از نمونه سوالات ویژه و اساسی که گاه و بی گاه در میان انبوه افکار و اعمال روزانه در ذهن برخی انسان ها بروز می کند را نام ببرید

چرا درد رنج هست؟ آیا نمی شد در جهانی زندگی کنیم که خبری از درد و رنج در آن نباشد؟ سعادت واقعی چیست؟ آیا می توان آن را به دست آورد؟ سرانجام ما انسان ها در این جهان چیست؟ جهان چه سرانجامی دارد؟ و.....
صفحه ۳ کتاب درسی (سه نمونه کافی است)

۷۳- مفهوم تفکر را تعریف کنید؟ و بنویسید چگونه انسان پاسخ سوالات روزانه خود را می یابد؟

تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ هاست. با قدرت تفکری که خداوند در وجود ما قرار داده، پاسخ سؤال ها را می یابیم و امور روزانه خود را سامان می دهیم.

۷۴- تفکر فلسفی و تفکر غیر فلسفی را با ذکر مثال مقایسه کنید؟

تفکر نوع اول: تازمانی که انسان با همان سؤالهای معمولی و روزانه روبه روست و به دنبال پاسخ آنهاست (تفکر غیر فلسفی)
تفکر نوع دوم: اما اگر انسانی از این مرحله تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤالهای دسته دوم پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر شده است (تفکر فلسفی). مثال: امروز چه لباسی بپوشم، چه غذایی بخورم و... (تفکر غیر فلسفی) چرا درد و رنج هست؟ خوشبختی و سعادت در گرو چیست؟ آیا می توان به آن رسید؟ و... (تفکر فلسفی)

۷۵- منظور ملاصدرا از فطرت اول و دوم چیست؟ بنویسید؟

مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها را فطرت اول و رودبه پرسشهای اساسی و تفکر در آنها فطرت ثانی (فطرت دوم).

۷۶- دغدغه اصلی و هدف عمده برخی از سوفیست ها چه بود؟

دغدغه برخی از سوفیست ها، که بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود؛ این گروه پیروزی بر رقیب را مهم ترین هدف می دانستند.

۷۷- سوفیست ها در استدلال های خود از چه روشی استفاده می کردند؟ توضیح دهید.

آنها در استدلالهای خود بیشتر از مغالطه کمک می گرفتند که به ظاهر درست به نظر می رسید، اما در واقع غلط بود.

۷۸- رویه مغالطه در استدلال توسط سوفیست ها سبب چه مسائلی شد؟

این رویه به تدریج سبب شد که این گروه از دانشمندان برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نباشند و بگویند هر کس هر چه خودش می فهمد همان حقیقت و واقعیت است.

۷۹- عقاید سوفیست ها در مورد حقیقت و واقعیت را بنویسید؟ (۲ مورد کافی است)

۱- این گروه پیروزی بر رقیب را مهم ترین هدف می دانستند

۲- از این رو در استدلالهای خود بیشتر از مغالطه کمک می گرفتند که به ظاهر درست به نظر می رسید، اما در واقع غلط بود.

۳- این گروه از دانشمندان برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نباشند

۴- معتقدند هر کس هر چه خودش می فهمد همان حقیقت و واقعیت است.

۸۰- چرا سقراط خود را سوفیست یا دانشمند نخواند؟

سقراط به سبب تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم و شاید به خاطر هم ردیف نشدن با سوفیست ها، مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند و از این رو خود را فیلسوفوس (فیلسوف)، یعنی دوستدار دانش نامید.

۸۱- چه زمانی می توان گفت که فردی وارد مرحله تفکر فلسفی شده است؟

انسان از آن هنگام که به صورتی جدی به این پرسش ها می پردازد و رسیدن به پاسخ آنها دغدغه خاطر اومی شود، وارد تفکر فلسفی شده است، حتی اگر یک کارگر یا فیزیکی دان یا پزشک یا مغازه دار باشد. به عبارت دیگر، تفکر فلسفی لازمه زندگی هر انسانی است؛ برخی انسان ها به آن توجه می کنند و برخی دیگر با بی توجهی از کنار آن می گذرند.

۸۲- چه عاملی باعث ظهور فلسفه شده است و فلسفه عهده دار بررسی چه مسائلی شده است؟

تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال های طرح شده موجب ظهور فلسفه گشته است. به عبارت دیگر: دانش فلسفه عهده دار فلسفه دانشی به نام بررسی قانونمند این قبیل سؤال هاست و فیلسوفان کسانی هستند که به صورت قانونمند و تخصصی به آنها پرداخته و کوشیده اند پاسخ های دقیقی به این قبیل سؤال ها بدهند.

۸۳- تفاوت اساسی فلسفه با سایر دانش ها چیست؟ توضیح دهید. (یا مرز این دانش با سایر دانش ها کجاست؟ یا مسائل

فلسفی کدام اند و چگونه از مسائل دیگر علوم جدا می شوند؟)

سایر علوم نیز هر کدام به موضوعی خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می پردازند و بحث می کنند. اما فلسفه این گونه نیست. فلسفه درباره یک موجود خاص بحث نمی کند، بلکه به بررسی اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان می پردازد. فیلسوف درباره آن دسته از ویژگیهای موجودات صحبت می کند که مربوط به هستی و موجودیت آنهاست. به همین خاطر، مباحث فلسفی پایه و اساس مباحث سایر علوم به شمار می آیند.

۸۴- با طرح دو پرسش حیطة فعالیت فلسفه و سایر علوم را مشخص کنید.

مثال: علم شیمی ← آیا محلول تورنسل همیشه در مجاورت باز ها به رنگ آبی در می آید؟

فلسفه علوم طبیعی ← آیا حواس و دستگاه های آزمایشی ما می توانند شناخت درستی از طبیعت به ما بدهند؟

اخلاق ← چگونه و با چه روشی می توان یک فضیلت اخلاقی به نام «عزت نفس» را در یک شخص تقویت کرد؟

فلسفه اخلاق ← آیا انسان می تواند فضیلت ها و ارزش ها را بشناسد؟

۸۵- روش تفکر فلسفی چگونه روشی است؟ توضیح دهید.

مسائل فلسفی را نمی توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست و جو در طبیعت حل کرد. هنگامی که با این گونه پرسش ها روبه رو می شویم، هرگز نمی توانیم از حس بینایی یا بویایی یا میکروسکوپ یا تلسکوپ یا هر نوع ابزار دیگر استفاده کنیم. در این موارد، عقل می کوشد در خود کاوش کند و با عمل تفکر و تعقل و با تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شود.

۸۶- چرا مسئله های فلسفی شبیه مسئله های ریاضی هستند؟

مسائل فلسفی، از جهت روش، مانند مسائل ریاضی هستند که استفاده از حواس و ابزار به حل آنها کمک نمی کند و فقط با عملیات فکری و استدلالی باید به جواب مسئله هادست یافت.

@ جواب فعالیت ها و تمرینات درس اول

□ مقایسه ص ۴

۱. در میان سوالاتی که در مورد مسئله ها و سوالاتی بنیادی هستند و ما را وادار به تفکر می کند و زمینه ساز شروع تفکر فلسفی می شوند که نحوه زندگی و رفتار و گفتارمان را شکل میدهند و ما را با دیگر آدم ها متفاوت می کنند و رسیدن به پاسخ آنها دغدغه خاطر افراد می شود. یابه عبارت دیگر: این مسایل کلی نگر هستند و مسایل روزمره جزئی نگر هستند.

الف) این مسایل معقول هستند و نیازمند به تبیین و استدلال عقلانی و مسایل روزمره محسوس و روش رسیدن به آن ها از تجربیات به دست می آید و نیاز به تفکر بیشتری ندارد.

ب) پاسخ به این سوالات فلسفی زیاد مادیات را در بر نمی گیرد ولی پاسخ به سوالات روزمره مادیات انسانها را در بر میگیرد.

۲. الف- اصولاً انسان و حقیقت انسانی چیست؟ ب- آغاز و انجام جهان چگونه است؟ ج- آیا زیبایی حقیقت دارد یا ساخته ذهن ماست؟

۳. سعادت واقعی چیست؟ آیا می توان جهان را اشیاء پدید آمده را همان گونه که هستند در یابیم؟ آیا انسان دارای قدرت انتخاب است یا زندگی مجموعه ای از انتخاب های جبری است؟

□ ارزیابی ص ۵ و ۶

۱- همانطور که گفته شد فیلسوف به مسائل بنیادین به صورت روشمند و تخصصی می پردازد و پاسخ به این سوالات نحوه زندگی یا نگرش و رفتار فرد را شکل می دهد که در گفتار ملا صدرا این ویژگی وجود دارد و اقبال پاسخ به این مسئله بنیادی را در قالب بیان شاعرانه عنوان کرده است. به عبارت دیگر: در هر دو بیان رسیدن به حقیقت و پاسخ صحیح به سوالات مطرح شده برای انسان را تحرک و بویایی و تلاش خردمندان خود انسان وقانع نشدن به شنیده ها و دریافت های ظاهری می داند. ۲- سائر و موج ز خود رفته

(الف) = سوالات فلسفی (ب) = سوالات غیر فلسفی

۱: جامعه شناسی (ب) ۲: فلسفی (الف) ۳: دین (ب) ۴: تاریخی (ب) ۵: فلسفی (الف) ۶: زیبایی (الف) ۷: زیست شناسی (ب) ۸: فلسفی (الف)

۱- استدلال قیاس برهانی ۲- تجربه و مشاهده و استدلال ۳- بررسی آماری (استقرایی) ۴- استدلال قیاسی ۵- استدلال

قیاسی

۱- (ب)

۲- برای درست فکر کردن (مرتب کردن)

۱. آگاهی از مجهولات و ندانسته های خود ۲. داشتن معیار برای پاسخ ۳. جستجوی پاسخ برای سوالات ۴. آرایه استدلال صحیح

۳- نکات اساسی درس:

نکات اساسی

عنوان

تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ هاست.

الف- انسان و تفکر

تفکر فلسفی و تفکر غیر فلسفی

ب- دو مرتبه از تفکر

تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند موجب ظهور دانشی به نام فلسفه است.

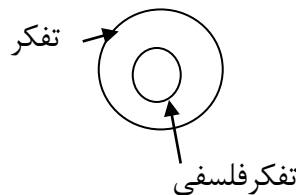
ج- دانش فلسفه

لفظ فلسفه ریشه یونانی دارد.

د- واژه فلسفه

۴- چرا؟ چون از نسبت های چهارگانه مطلق است و کلیت و عامیت تفکر از تفکر فلسفی بیشتر است. (هر تفکر فلسفی، تفکر است. بعضی

تفکر، تفکر فلسفی است. بعضی تفکر، تفکر فلسفی نیست.)



۵- الف- غلط ب- صحیح ج- صحیح د- صحیح ه- غلط

۶- از جهت موضوع اختلاف دارند موضوع فلسفه وجود وهستی است. ولی موضوع ریاضیات مقدار و کمیّت است. از جهت روش مشترکند (روش عملیات فکری و استدلالی)

□ نمونه سوالات تالیفی درس دوم ریشه و شاخه های فلسفه

*** تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام عبارت غلط می باشد:**

- ۱- بخش اصلی فلسفه که به منزله ریشه و پایه آن است، فلسفه علم نام دارد.
- ۲- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است.
- ۳- هنگامی که کمیّت و زنده بودن اشیا را مطالعه می کنیم، سروکار ما با یکی از علوم خواهد بود.
- ۴- دانشمندان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند.
- ۵- معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است.
- ۶- یکی از مسائل مشترک میان علم و فلسفه اولی بحث از "هستی اشیا" می باشد.
- ۷- در علوم، ما با جنبه خاصی از اشیا سروکار داریم مانند بحث کمیّت یا بحث مقدار در ریاضیات.
- ۸- فلسفه اولی آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق کرده و احکام و قواعدی را به دست می آورد
- که مربوط به یک وجود خاص است و نه خود هستی و وجود است.
- ۹- هرگاه خصوصیات یک وجود خاص مورد توجه ما قرار گیرد به سراغ مابعدالطبیعه می رویم.
- ۱۰- سوالاتی از قبیل آیا هستی منحصر در همین اشیا مادی است؟، آیا رابطه علیت بر کل هستی جاری است؟، آیا جهان به سمت تکامل است یا فروپاشی؟، به علوم مختلف مربوط می شوند.
- ۱۱- فیلسوفان درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کنند و برای به دست آوردن قوانین حاکم بر کل هستی تحقیق تامل می کند.
- ۱۲- فیلسوف می کوشد با کمک عقل و استدلال و منطق، پاسخ درست را بیابد و عوامل اشتباه و موانع پیش رو را از سر راه تفکر بردارد و به حقیقت، آن گونه که هست برسد، نه آن گونه که دلش می خواهد.
- ۱۳- مبانی وزیر بناهای فلسفه در علوم بررسی می شوند.
- ۱۴- گاهی، به آن بخش از مباحث فلسفی که مبانی هر علم را بررسی می کنند، فلسفه مضاف آن علم گفته می شود.
- ۱۵- آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در فلسفه اولی قرار می گیرد.
- ۱۶- در حقیقت، شاخه های فلسفه، رابط فلسفه اولی با رشته های مختلف دانش و معرفت اند.
- ۱۷- فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث می کند. و در هر موضوعی به بنیادترین مسئله های آن می پردازد و درباره آن تامل می کند.
- ۱۸- هر فیلسوفی با توجه به دیدگاه خاصی که در فلسفه اولی دارد، به گونه ای خاص در مسائل بنیادی هنر، جامعه، فیزیک، روان و مانند آنها اظهار نظر می کند.
- ۱۹- با تامل فیلسوفانه درباره اخلاق، دین، طبیعت، تاریخ، علم و تربیت، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه طبیعت، فلسفه

تاریخ، فلسفه علم و فلسفه تربیت پدید می آید که به آنها فلسفه علوم انسانی می گویند.

۲۰- یکی از مسائل مورد توجه فلسفه علوم اجتماعی این است که آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد؟

۲۱- گروهی از فیلسوفان پیرو اصالت جامعه هستند و جامعه را مجموعه ای از افرادی دانند که کنار هم زندگی می کنند.

۲۲- گروهی از فیلسوفان معتقدند که افرادی که جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند و افکار و اندیشه ها و تصمیم گیری های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است.

۲۳- آنان که به اصالت جامعه اعتقاد دارند، همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم دانسته است.

۲۴- آنان که به اصالت فرد اعتقاد دارند در برنامه ریزی های فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن، بیشتر به منافع و رشد فرد توجه دارند.

۲۵- آنان که به اصالت فرد اعتقاد دارند در سیاست معتقد به سوسیالیسم هستند که تأمین کننده آزادیهای فردی است.

۲۶- آنان که برای جامعه اصالت قائلند، برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان، سمت و سوی اجتماعی دارد و منافع جمع را در اولویت قرار می دهند.

۲۷- آنان که به اصالت جامعه اعتقاد دارند در سیاست معتقد به سوسیالیسم هستند که اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است.

۲۸- دیدگاه سوم در فلسفه علوم اجتماعی معتقدند هم افراد اصالت دارند و هم جامعه.

۲۹- اصالت جامعه در فلسفه علوم اجتماعی معتقدند که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار میگیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند.

۳۰- دیدگاه سوم در فلسفه علوم اجتماعی معتقدند که جامعه صرفاً جمع افراد نیست، بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح فردی در جامعه شکل می گیرد که می تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آنها را تابعی از ویژگی ها و ساختار جامعه قرار دهد.

۳۱- دیدگاه سوم در فلسفه علوم اجتماعی قائل به اصالت فرد و جامعه، توأمان است.

@جواب ها:

۱- غ ۲- ص ۳- ص ۴- غ ۵- ص ۶- غ ۷- ص ۸- غ ۹- غ ۱۰- غ ۱۱- ص ۱۲- ص ۱۳- غ ۱۴- ص ۱۵- غ ۱۶-
ص ۱۷- غ ۱۸- ص ۱۹- غ ۲۰- ص ۲۱- غ ۲۲- ص ۲۳- غ ۲۴- ص ۲۵- غ ۲۶- ص ۲۷- ص ۲۸- ص ۲۹- غ ۳۰- غ ۳۱- ص

۳۲- بخش اصلی فلسفه که به منزله ریشه و پایه آن است، نام دارد.

۳۳- بخشهای فرعی فلسفه که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، هر کدام به نام ویژه ای، مانند..... و..... نامیده می شوند.

۳۴- بخش اصلی فلسفه در صدد بحث و بررسی اصل و حقیقت است.

۳۵- هستی شناسی ، درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر بحث می کند

۳۶- معرفت شناسی، که توانایی انسان در را مورد مطالعه قرار می دهد.

۳۷- شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی..... را به محدوده های خاص منتقل می سازند.

۳۸- آن بخش از مباحث فلسفی که مبانی هر علم را بررسی می کنند، آن علم گفته می شود.

۳۹- در علوم ، ما با..... از اشیاء سروکار داریم مانند بحث کمیت یا بحث مقدار در ریاضیات.

۴۰- فلسفه اولی نام دیگری است بر که پیرامون بحث می کند.

۴۱- آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند نام دارد.

۴۲- دانشی که احکام و قواعدی را به دست می آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص..... نام دارد.

۴۳- هرگاه خصوصیات یک وجود خاص مورد توجه ما قرار گیرد به سراغ می رویم.

۴۴- علوم مختلف موجودات را از جهت یک وجود خاص بررسی می کنند.

۴۵- سوالاتی از قبیل آیا هستی منحصر در همین اشیای مادی است؟، آیا رابطه علیت بر کل هستی جاری است؟، آیا جهان به سمت تکامل است یا فروپاشی؟، به مربوط می شوند.

۴۶- فیلسوفان درباره مسئله های مربوط به تحقیق می کنند برای به دست آوردن قوانین حاکم بر..... تحقیق تامل می کند.

۴۷- در حقیقت ،..... رابط فلسفه اولی با رشته های مختلف دانش و معرفت اند.

۴۸- فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث نمی کند. بلکه در هر موضوعی به..... مسئله های آن می پردازد و درباره آن تامل می کند.

۴۹- هر فیلسوفی با توجه به دیدگاه خاصی که در..... دارد ، به گونه ای خاص در مسائل بنیادی هنر، جامعه ، فیزیک ، روان و مانند آنها اظهار نظر می کند.

- ۵۰- با تامل فیلسوفانه درباره اخلاق ، دین، طبیعت ، تاریخ ، علم و تربیت، فلسفه اخلاق ، فلسفه دین، فلسفه طبیعت ، فلسفه تاریخ ، فلسفه علم و فلسفه تربیت پدید می آید که به آنها فلسفه می گویند.
- ۵۱- فرق فلسفه با سایر علوم در آن است که فلسفه بهمربوط می شود. اما سایر علوم به خصوصیات و ویژگی های یک است.
- ۵۲- ریاضیات هر چیز را از آن جهت که و دارد، مطالعه می کند.
- ۵۳- در فیزیک اشیا از حیث بررسی می شوند.
- ۵۴- بررسی موجودات از حیث حیات و زنده بودن، به علم مربوط است.
- ۵۵- وجه اشتراک تمام موجودات عالم در است که موضوع است.
- ۵۶- در علوم طبیعی رابطه علی و معلولی بررسی می شود اما در فلسفه رابطه علت و معلول در مورد بررسی قرار می گیرد.
- ۵۷- مابعد الطبیعه علم به است در حالت کلی و قلمرو آن عالم هستی است اما ماوراء الطبیعه از عالم هستی است.
- ۵۸- ریشه های درخت فلسفه و شاخه های آن است.
- ۵۹- شاخه های فلسفه را می گویند.
- ۶۰- روش کسب علم در علوم طبیعی و در فلسفه است.
- ۶۱- طرفداران اصالت فرد و اصالت جامعه به ترتیب در سیاست به و اعتقاد دارند.
- ۶۲- مکاتب سوسیالیسم و لیبرالیسم در اصالت جامعه و اصالت فرد تأمین کننده و است.
- @ جواب ها: ۳۲- (فلسفه اولی) ۳۳- (فلسفه علم/فلسفه هنر) ۳۴- (وجود و مسائل پیرامون آن) ۳۵- (هستی و وجود) ۳۶- (شناخت هستی) ۳۷- (وجودشناسی و معرفت شناسی) ۳۸- (فلسفه مضاف) ۳۹- (جنبه خاصی) ۴۰- (مابعد الطبیعه/هستی وجود) ۴۱- (فلسفه اولی) ۴۲- (فلسفه اولی یا مابعد الطبیعه) ۴۳- (علوم مختلف) ۴۴- (خصوصیات و ویژگیهای) ۴۵- (فلسفه اولی یا مابعد الطبیعه) ۴۶- (وجود/کل هستی) ۴۷- (شاخه های فلسفه) ۴۸- (بنیادی ترین) ۴۹- (فلسفه اولی) ۵۰- (مضاف) ۵۱- (اصل وجود و هستی- وجود خاص) ۵۲- (کمیت- مقدار) ۵۳- (خواص) ۵۴- (زیست شناسی) ۵۵- (اصل وجود/موجود بودن / فلسفه اولی) ۵۶- (مصادیق/اصل وجود) ۵۷- (وجود/کل/مرتبه ای) ۵۸- (فلسفه اولی- فلسفه های مضاف) ۵۹- (فلسفه مضاف) ۶۰- (تجربه / تفکر و تأمل عقلانی) ۶۱- (لیبرالیسم / سوسیالیسم) ۶۲- (منافع جمعی- آزادی های فردی)**

*** گزینه ی صحیح را انتخاب کنید:**

۶۳- ریشه و شاخه های فلسفه به ترتیب کدامند؟

(۱) فلسفه اولی - فلسفه علم (۲) فلسفه علم - فلسفه هنر (۳) فلسفه علم - مابعدالطبیعه (۴) فلسفه اولی - مابعدالطبیعه

۶۴- تفاوت علوم مختلف ، در اصل به کدام مولفه باز می گردد؟

(۱) موضوع (۲) روش (۳) مسائل (۴) مفاهیم

۶۵- کدام یک از گزینه های زیر در زمره فلسفه های مضاف به شمار نمی رود؟

(۱) فلسفه علم (۲) فلسفه هنر (۳) فلسفه اخلاق (۴) فلسفه اولی

جواب سوالات تستی:

۶۳- (گزینه ۱) ، ۶۴- (گزینه ۱) ، ۶۵- (گزینه ۴)

*** هر یک از گزینه های ستون راست با یکی از گزینه های ستون چپ مناسبت دارد، آنها را در کنار هم بنویسید؟**

- | | |
|--|---------------------|
| (۶۶) وجه مشترک همه اشیا و امور | (۱) شاخه های فلسفه |
| (۶۷) بررسی احکام و قواعدی مربوط به هستی وجود | (۲) وجود وهستی |
| (۶۸) رابط فلسفه اولی یا رشته های مختلف دانش و معرفت | (۳) مسئله های فلسفی |
| (۶۹) مانند مسئله های ریاضی فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت. | (۴) فلسفه هنر |
| (۷۰) چرا بعضی زبان زیبایی اشیا را می فهمند؟ | (۵) فلسفه اولی |
| | (۶) فلسفه اخلاق |
| | (۷) فلسفه مضاف |

@ پاسخ ها: ۶۶-۲ ۶۷-۵ ۶۸-۱ ۶۹-۳ ۷۰-۴

*** پاسخ کوتاه دهید:**

۷۱- فلسفه ، ریاضیات، فیزیک و زیست شناسی را از جهت موضوع مقایسه کنید؟ فلسفه ← مطلق وجود

ریاضیات ← کمیت و مقدار فیزیک ← خواص زیست شناسی ← حیات و زنده بودن

۷۲- چه ارتباطی بین فلسفه و سایر علوم است ؟

فلسفه فقط از هستی و قواعد آنکه مربوط به فلسفه علوم است بحث نمی کند بلکه در هر موضوعی به بنیادی ترین مسئله هами پردازد و

در باره آن تأمل می کند.

۷۳- با طرح پرسش، گزاره هایی طراحی کنید که به «فلسفه اولی» مربوط شود؟

۱- آیا هستی ثابت است یا متغیر؟ ۲- آیا اصل جهان سرانجام دارد؟ ۳- رابطه علیت از مسائل فلسفه اولی، به اصل هستی مربوط است یا خصوصیات هستی؟ ۴- فرق هستی و چیستی کدام است؟

۷۴- با تأمل فیلسوفانه در حوزه هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت، چه علمی شکل می گیرد؟

فلسفهٔ خلاق، فلسفهٔ دین، فلسفهٔ تاریخ و فلسفهٔ طبیعت

۷۵- مهم ترین بخش فلسفه کدام است و وظیفه آن چیست؟

«فلسفه اولی» یا «مابعد الطبیعه» آن بخش ریشه ای فلسفه است در صدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است.

۷۴- هر یک از سؤالات ذیل مربوط به کدام علم و در چه علمی مورد بحث قرار می گیرد؟

۱) چرا ارزشهای اخلاقی نسبی است؟ (فلسفهٔ اخلاق)

۲) چرا بعضی زبان زیبایی و هنری را می فهمند و بعضی دیگر آنرا نمی فهمند؟ (فلسفهٔ هنر)

۳) چرا راستی و درستی خوب است و دروغ و خیانت بد؟ (فلسفهٔ اخلاق)

۷۵- علوم مختلف موجودات را از نظر بررسی می کنند. الف) چیستی ب) هستی (الف) ←

۷۶- معمولاً چه زمانی به سراغ علوم مختلف می رویم؟

هرگاه خصوصیات و ویژگی های یک موجود خاص مورد توجه ما قرار گیرد.

۷۷- دودیدگاهی که در فلسفهٔ علوم اجتماعی شکل گرفته و تأثیر زیادی در شیوهٔ بررسی مسائل اجتماعی توسط جامعه

شناسان دارد را نام ببرید؟

اصالت فرد، اصالت جامعه

۷۸- معتقدان به اصالت فرد و اصالت جامعه در فلسفهٔ علوم اجتماعی به ترتیب در عالم سیاست به ظهور کدام مکاتب

فلسفی شد؟

۱- لیبرالیسم (تأمین کنندهٔ آزادی های فردی است) ۲- سوسیالیسم (تأمین کنندهٔ منافع جمعی است)

۷۹- فرق فلسفه (مابعدالطبیعه) و سایر علوم مختلف چیست؟

فلسفه به مطالعه دراصل وجود و هستی می پردازد اما سایر علوم هر یک خصوصیات و ویژگی های یک موجود خاص را بررسی می

کنند. سنگ بودن سنگ، فلز بودن فلز، گیاه بودن گیاه ← سایر علوم

سنگ وجود دارد، فلز وجود دارد، گیاه وجود دارد ← فلسفه

۸۰- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه درصدد بررسی چه مسائلی است؟ مثال بزنید؟

این بخش از فلسفه درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است. فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند؛ مثلاً بدانند که آیا در هستی قانون علیت جاری است یا نه.

۸۱- بخش اصلی فلسفه و بخش های فرعی آن کدامند؟

بخش اصلی که به منزله ریشه و پایه فلسفه است فلسفه اولی نام دارد و بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، هر کدام به نام ویژه ای، مانند فلسفه هنر و فلسفه علم و... نامیده می شوند.

۸۲- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه را به چند بخش تقسیم می شود بررسی کنید؟

به دو بخش، ۱- هستی شناسی، که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند. ۲- معرفت شناسی، که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد.

۸۳- منظور از شاخه های دانش فلسفه، چیست؟ مثالی طراحی کنید؟

آن دسته از دانشهای فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند؛ به طور مثال، اگر کسی در وجودشناسی پذیرفته باشد که وجود بر دو قسم مادی و مجرد از ماده است چنین کسی در انسان شناسی فلسفی خود می تواند بگوید که انسان نیز دارای دو بُعد مادی و مجرد است. حال، کسانی که معتقد باشند انسان دارای این دو بُعد است، در علوم همانند اخلاق و روان شناسی به ویژگی های بُعد مجرد او هم می پردازند.

۸۴- فلسفه مضاف در یک علم چگونه شکل می گیرد؟ توضیح دهید؟

مبانی وزیربناهای علوم در فلسفه بررسی می شوند و گاهی، به آن بخش از مباحث فلسفی که مبانی هر علم را بررسی می کنند، فلسفه مضاف آن علم گفته می شود. آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد.

۸۵- اختلاف و اشتراک اشیا نسبت به هم در چیست؟

اشیای عالم، با آنکه در خصوصیات گوناگون فرق دارند، اما در یک چیز شریک اند و آن، اصل وجود است. آنها همه در موجود بودن مشترک اند.

۸۶- منظور از فلسفه های مضاف چیست و چه ارتباطی بین آن ها و فلسفه اولی است؟

شاخه های فلسفه را «فلسفه مضاف» می گویند. مضاف به معنی اضافه شده است. مثلاً وقتی فلسفه را به علم اضافه کنند، «فلسفه علم» شکل می گیرد؛ در این صورت اگر فلسفه را بدون اضافه ی به چیزی به کار ببرند، مقصود همان فلسفه ی اولی است که ریشه و اساس فلسفه های مضاف است.

۸۷- برای هر یک از فلسفه های تاریخ، علوم اجتماعی، روان شناسی، اخلاق، هنر و حقوق، به ترتیب یک سوال طراحی کنید.

۱- آیا می توان برای سیر حوادث در تاریخ بشر قوانینی را کشف کرد؟ ← فلسفه تاریخ

۲- آیا انسان تابع پایگاه اجتماعی خود است یا مستقل و آزاد از پایگاه اجتماعی خاص؟ ← فلسفه علوم اجتماعی

۳- چرا شناخت و معرفت از مسائل مهم فلسفه است؟ ← فلسفه روان شناسی

۴- آیا اخلاق مطلق است یا نسبی؟ ← فلسفه اخلاق

۵- چرا بعضی زبان زیبایی را می فهمند؟ ← فلسفه هنر

۶- چه کسی حق دارد برای مجازات مجرمان قانون وضع کند؟ ← فلسفه حقوق

۸۸- بررسی اشیا و پدیده ها در علوم مختلف چه تفاوتی با بررسی آنها در فلسفه اولی دارد؟

در علوم با جنبه خاصی از اشیا سروکار داریم مانند بحث کمیت یا بحث مقدار در ریاضیات اما در فلسفه اولی آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق میکند. احکام و قواعدی را به دست می آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه وجود خاص.

۸۹- دو نمونه سوال از سوالات مهمی که از دیرباز برای بشر مطرح بوده و به اصل هستی و وجود مربوط می شود،

را بنویسید.

آیاهستی منحصر در همین اشیای مادی است؟ آیا رابطه علیت در کل هستی جریان دارد؟ جهان به سمت تکامل حرکت می کند یا فروپاشی؟ آیا موجودات اراده و اختیار دارند؟ آیا هستی دارای طرح و نقشه خاصی است؟

۹۰- آیا می توان برای هر رشته علمی یک فلسفه نیز طراحی کرد ونحوه پیدایش آنها چگونه است؟

آری، بدین ترتیب، باتأمل فیلسوفانه درباره اخلاق، دین، طبیعت، تاریخ، علم و تربیت، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ، فلسفه علم و فلسفه طبیعت پدید می آید. به این قبیل از شاخه های فلسفه فلسفه های مضاف می گویند. پس می توان برای هر رشته علمی یک فلسفه نیز طراحی کرد. امروزه دامنه این فلسفه هابسیار توسعه یافته و هر موضوع با اهمیتی که توجه فیلسوفان و اندیشمندان را به خود جلب کرده، فلسفه ای پیداکرده است؛ مانند: فلسفه تکنولوژی، فلسفه فرهنگ و فلسفه پزشکی که در دانشگاه های جهان تدریس می شوند.

۹۱- فیلسوفان معتقد به اصالت فرد در فلسفه علوم اجتماعی چه عقایدی دارند؟ (دومورد کافی است)

۱- گروهی از فیلسوفان پیرو اصالت فرد هستند و جامعه را مجموعه ای از افرادی دانند که کنار هم زندگی می کنند. ۲- همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم دانسته اند. ۳- در برنامه ریزی های فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن، بیشتر به منافع و رشد فرد توجه دارند. ۴- در سیاست نیز معتقد به لیبرالیسم هستند که تأمین کننده آزادیهای فردی است.

۹۲- فیلسوفان معتقد به اصالت جامعه در فلسفه علوم اجتماعی چه عقایدی دارند؟ (دومورد کافی است)

۱- افراد یک جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند. ۲- افکار و اندیشه ها و تصمیم گیری های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است. ۳- برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان، سمت و سویی اجتماعی دارد و منافع جمع را در اولویت قرار می دهند. ۴- در سیاست نیز به سوسیالیسم اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است.

۹۳- دیدگاه سوم در مورد اصالت فرد و اصالت جامعه را به اختصار توضیح دهید؟

اینها معتقد است هم افراد اصالت دارند و هم جامعه. اینان معتقدند که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند. همچنین معتقدند که جامعه صرفاً جمع افراد نیست، بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح جمعی در جامعه شکل می گیرد که می تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آنها را تابعی از ویژگی ها و ساختار جامعه قرار دهد. این دیدگاه فلسفی قائل به اصالت فرد و جامعه، توأمان است.

□ دسته بندی ص ۱۲

موارد ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ در ردیف ۲ قرار دارند و موارد ۲ و ۶ و ۸ و ۹ و ۱۰ سوالات بنیادی و اساسی هستند و در ردیف ۱ قرار دارند.

□ بررسی ص ۱۳

معرفت شناسی

وجودشناسی

- ۲- هستی یک وجودی انتهاست و حد و مرزی ندارد. ۶- درک واقعیت های هستی امکان پذیر است.
- ۸- قانون علیّت در سراسر عالم جاری و ساری است. ۱۰- راه های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد.
- ۹- موجودات جهان به دو دسته زوال پذیر و زوال ناپذیر تقسیم می شوند.

□ تکمیل کنید ص ۱۵

فلسفه تاریخ - فلسفه سیاست - فلسفه حقوق - فلسفه هنر - فلسفه اقتصاد - فلسفه علوم اجتماعی - فلسفه اخلاق - فلسفه علم

□ تطبیق* ص ۱۶

اصالت فرد: مالکیت خصوصی، آزادی، عدالت، مدارس خصوصی، تعاونی های اقتصادی اصالت جامعه: مالکیت دولتی، سرمایه داری، مدارس دولتی؛ بیمه های فراگیر

□ دسته بندی ص ۱۷

نام فلسفه مضاف

گزاره

- ۱- انسان ذاتا به زندگی اجتماعی گرایش دارد (مدنی بالطبع است). فلسفه اجتماع یا فلسفه جامعه شناسی
- ۲- هستی یک وجود بی انتهاست و حد و مرزی ندارد. فلسفه اولی (وجودشناسی)
- ۳- اساس حکومت و سیاست را قدرت تشکیل می دهد. فلسفه سیاست
- ۴- زندگی را با امید به آینده بنا کن، زیرا جهان طراحی دقیقی دارد. فلسفه زندگی (فلسفه انسان یا انسان شناسی)
- ۵- تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می کند. فلسفه تاریخ
- ۶- درک واقعیت های هستی امکان پذیر است. معرفت شناسی (فلسفه اولی)
- ۷- برخی از فضائل اخلاقی ذاتا ارزشمند هستند. فلسفه اخلاق
- ۸- قانون علیّت در سراسر عالم جاری و ساری است. فلسفه اولی (وجودشناسی)

۹- موجودات جهان به دو دسته زوال پذیر و زوال ناپذیر تقسیم می شوند. فلسفه اولی (وجودشناسی)

۱۰- راه های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد. معرفت شناسی (فلسفه اولی)

□ به کار بندیم ص ۱۸

موقعی که دانشمند فیزیک به اثبات موضوع علم خود می پردازد همان فلسفه فیزیک نام می گیرد و جزو فلسفه های مضاف قرار می گیرد.

□ نمونه سوالات درس سوم (فلسفه زندگی)

@ تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام عبارت غلط می باشد:

- ۱- همه ما باورهایی درباره جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی و نظایر آن داریم. ماباهمین باورها زندگی می کنیم و براساس آنها تصمیم می گیریم و عمل می نماییم.
- ۲- انسانها گاهی فارغ از مشغولات زندگی، بر حسب توانمندی خویش، لحظاتی یا ساعاتی و حتی روزها ماه ها و سال ها با دقت در مورد باورهای خود فکر کنند و چرایی آنها را جست و جو نمایند.
- ۳- انسان ها گاهی بدون این که فلسفه آموخته باشند، به فهم فلسفی از عقاید و باورها ی خود می پردازند.
- ۴- زندگی برتر، آن زندگی است که بر پایه حقیقت بنا شده باشد، گرچه به دست آوردن این گونه از زندگی به سادگی همراه باشد.
- ۵- تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، تنها تامل در باورهای مربوط به زندگی نیست.
- ۶- اندیشیدن فیلسوفانه، آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها است.
- ۷- پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست اندیشیدن فیلسوفانه است.
- ۸- با اندیشیدن فیلسوفانه، بنیانهای فکری خودرانی سازیم و به آزاداندیشی می رسیم و شخصیتی مستقل کسب می کنیم.
- ۹- باورها هستند که فلسفه ما را می سازند و نقش تعیین کننده در انتخاب فلسفه ها دارند.
- ۱۰- یکی از فواید آموختن منطق توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست.
- ۱۱- فلسفه هر کس نقش اساسی در معنابخشی به زندگی او دارد.
- ۱۲- فلسفه از توانایی فیلسوفان کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد.
- ۱۳- فیلسوفان می کوشند با کاستن از مسائل سطحی، فهم درستی از حقایق، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از تفکر باشد، آن فهم را بیان کنند.
- ۱۴- فیلسوفان می کوشند نمونه هایی از مغالطه های فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران، تشریح کنند.
- ۱۵- برخی افراد گاهی بدون اینکه دقت کنند، در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته اند و براساس آن تصمیم می گیرند و عمل می کنند.

۱۶- فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل تبلیغات و تعصب بنا نمی کند.

۱۷- فیلسوف واقعی درباره استدلال ها می اندیشد و اگر به درستی شان پی ببرد، آنها را می پذیرد.

۱۸- فرق فیلسوف با دیگران در این است که فیلسوف درباره برخی مسائل بنیادین فلسفی به نحو جدی فکر می کند.

۱۹- در بعضی از مواقع، افرادی که جامعه افکار و عقایدی را می پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی محکمی دارند، که به صورت یک عادت در آمده است.

۲۰- برخی افکار و عقاید پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند این در حالی است که ماهمه آنها را پذیرفته و بدانها معتقد نشده ایم.

۲۱- در برخی مواقع، اندیشه و رفتار دیگران را هم بر اساس افکار غیر منطقی می سنجیم و ارزیابی می کنیم.

۲۲- افراد متفکر و اندیشمند برخی جوامع، افکاری را مورد نقد و ارزیابی قرار می دهند و اگر منطبق با عقل و استدلال نبوده، آنها را نمی پذیرند.

۲۳- افراد متفکر و اندیشمند همه جوامع، تلاش می کنند سایر مردم را نیز به باطل بودن آن افکار آگاه کنند.

جواب ها: ۱- ص ۲- ص ۳- ص ۴- غ ۵- غ ۶- ص ۷- ص ۸- ص ۹- غ ۱۰- ص ۱۱- ص ۱۲- غ ۱۳- غ ۱۴- ص ۱۵- ص ۱۶-

ص ۱۷- ص ۱۸- غ ۱۹- غ ۲۰- غ ۲۱- ص ۲۲- ص ۲۳- غ

@ جاهای خالی را با عبارات مناسب کامل کنید:

۲۴- برخی از باور های انسان بر اساس دلیل و برخی صرفاً بر اساس پذیرفته می شوند.

۲۵- برخی انسان ها، لحظاتی به درباره باور های خود می پردازند و نسبت به پذیرش آن باورها می اندیشند.

۲۶- با اندیشیدن فیلسوفانه، بنیان های فکری خود را می سازیم و به می رسیم و کسب می کنیم.

۲۷- فلسفه هر کس معنا دهنده به اوست.

۲۸- اگر انسان قدرت تفکر خود را افزایش دهد و با استفاده از در امور فلسفی بیندیشد، به فواید و ثمرات دیگری دست می یابد.

۲۹- آموختن توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست.

۳۰- فلسفه از توانایی منطقی کمک می گیرد تا درست از تفکرات غلط تشخیص داده شود و راه رسیدن به اعتقادات درست هموار گردد.

۳۱- فیلسوفان میکوشند با کاستن از فهم درستی از حقایق، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، بیان کنند.

۳۲- فیلسوفان نمونه هایی از مغالطه های فلسفی را جهت دیگران، نشان دهند.

۳۳- آزاد اندیشی نتیجه در باور و آموختن چرایی و دلایل درستی یا نادرستی آن هاست.

۳۴- فیلسوف هیچ سخنی را خصوصاً در مسائل بدون دلیل نمی پذیرد و خود را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب، بنامی کند.

۳۵- افلاطون تمثیل غار را در کتاب آورده است و می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه انسان را به سمت هدایت می کند.

۳۶- با توجه به تمثیل غار، رسیدن و نایل شدن به آزادی حقیقی است.

پاسخنامه: ۲۴-عادت ۲۵-تفکر ۲۶-آزاداندیشی/شخصیتی مستقل ۲۷-زندگی ۲۸-قواعد تفکر ۲۹-منطق ۳۰-اندیشه های فلسفی ۳۱-مغالطه ها ۳۲-عبرت گرفتن ۳۳-تفکر فلسفی ۳۴-بنیادین/عقیده ۳۵-جمهوری/آزادی حقیقی ۳۶-تدریجی

@ گزینه ی صحیح را انتخاب کنید:

۳۷- کدام عبارت با توجه به بحث تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، درست نیست؟

(۱) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه عمل بر طبق عادت به باورهای مربوط به زندگی مانند مرگ، عدالت و زیبایی است.

(۲) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، یعنی آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها.

(۳) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، راه پذیرفتن باورها ی درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست.

(۴) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، کسب شخصیتی مستقل و آزاد اندیش و ایجاد بنیان های فکری خاص خود.

۳۸- این مطلب که: فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. نشان دهنده کدام ویژگی های زندگی مبتنی بر فهم فلسفی است؟

(۱) دوری از مغالطه ها (۲) حیرت فلسفی (۳) رهایی از عادات غیر منطقی (۴) استقلال در اندیشه

۳۹- پاسخ اصلی به این سوال که: چرا با وجودی که همه مردم در مسائل بنیادین فلسفی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج می اندیشند و نظر می دهند، اما فیلسوف با دیگران متفاوت است؟

(۱) زیرا فیلسوف درباره همین مسائل به نحو جدید فکر می کند و باروش جدید وارد این قبیل مسائل می شود.

(۲) زیرا فیلسوف سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و باروش متفاوت وارد این قبیل مسائل می شود.

(۳) زیرا فیلسوف درباره همین مسائل به نحو جدی فکر می کند و باروش درست وارد این قبیل مسائل می شود.

(۴) زیرا فیلسوف عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند.

جواب سوالات تستی: ۳۷- (گزینه ۱)، ۳۸- (گزینه ۴)، ۳۹- (گزینه ۳)

@ هر یک از گزینه های ستون راست با یکی از گزینه های ستون چپ مناسبت دارد، آنها را در کنار هم بنویسید؟ (یک

مورد اضافی است)

۴۰) بر پایه حقیقت بنا شده باشد. (۱) چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند.

(۴۱) آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی و نادرستی باورها (۲) زندگی برتر

(۴۲) تمثیل غار افلاطون (۳) اندیشیدن فیلسوفانه

(۴۳) موضوع اصلی تمثیل غار افلاطون (۴) کتاب جمهوری

(۵) کتاب تئنتوس

@ جواب ها: ۴۰-۲ ۴۱-۳ ۴۲-۴ ۴۳-۱

@ پاسخ کوتاه دهید:

۴۴- ویژگی های زندگی مبتنی بر فهم فلسفی کدامند؟ آنها را بنویسید.

۱- دوری از مغالطه ها ۲- استقلال در اندیشه ۳- رهایی از عادات غیر منطقی

۴۵- این عبارت که "فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل تبلیغات و تعصب بنامی کند." بیانگر چیست؟

استقلال در اندیشه

۴۶- آزاد اندیشی محصول چه نوع تفکری است؟ چگونه توضیح دهید.

تفکر فلسفی، ۱- با تفکر فلسفی و تأمل در باورها ۲- آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی و نادرستی باورها ۳- آموختن راه پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست

۴۷- نتیجه ی تفکر فلسفی در باورهایمان چیست؟

۱- ساختن بنیان های فکری به دست خودمان ۲- آزاد اندیشی ۳- کسب شخصیت مستقل.

۴۸- آثار و ثمرات زندگی بنا شده بر پایه حقیقت چیست؟ ۱- دوری از مغالطه ها ۲- استقلال در اندیشه ۳- رهایی از عادات غیر منطقی

۴۹- فیلسوف واقعی چه کسی است؟ و چه خصوصیات دارد؟

فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. او درباره استدلال ها می اندیشد و اگر به درستی شان پی ببرد، آنها را می پذیرد.

۵۰- آیا انتخاب باورها از سوی افراد همیشه آگاهانه است؟

خیر، برخی افراد گاهی بدون اینکه دقت کنند در زندگی خود باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته و بر اساس آن تصمیم می گیرند.

*** پاسخ کامل دهید:**

۵۱- آیا باورهای ما همواره بر اساس دلیل است؟ توضیح دهید

همه ما باورهایی درباره جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی و نظایر آن داریم که با همین باورها زندگی می کنیم و بر اساس آن ها تصمیم می گیریم و عمل می نماییم. شاید دلایل برخی از این باورها را بدانیم و برای برخی هم دلیلی نداشته باشیم و صرفاً طبق عادت آن ها را قبول کرده باشیم

۵۲- ویژگی تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه در مورد باورهای زندگی چیست؟ توضیح دهید.

تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، تأمل در همین باورهای مربوط به زندگی است. آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها. پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست. در این صورت، خودمان بنیان های فکری خود را می سازیم و به آزاد اندیشی می رسیم و شخصیتی مستقل کسب می کنیم.

۵۳- نقش تفکر فلسفی و ارتباط آن با منطق در دوری از مغالطه ها چگونه نقشی است؟ توضیح دهید.

یکی از فواید آموختن منطق توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست. فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد.

۵۴- کوشش فیلسوفان برای دوری از مغالطه به چه هدفی صورت می گیرد؟

فیلسوفان می کوشند باکاستن از مغالطه ها، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، بیان کنند. آنها همچنین می کوشند نمونه هایی از مغالطه های فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران، تشریح کنند. برخی افرادگاهی بدون اینکه دقت کنند، در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته و براساس آن تصمیم می گیرند و عمل می کنند

۵۵- دو ویژگی از مهمترین ویژگی های فیلسوف واقعی را بنویسید.

فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. او درباره استدلال ها می اندیشد و اگر به درستی شان پی ببرد، آنها را می پذیرد.

۵۶- فرق اندیشه یک فیلسوف با دیگران درباره مسائل بنیادین فلسفه چیست؟

فرق فیلسوف با دیگران در این است که اولاً فیلسوف درباره همه مسائل بنیادین فلسفی مانند درباره خدا، آزادی، اختیار، خوشبختی و رنج به نحو جدی فکر می کند؛ ثانياً با روش درست وارد این قبیل مسائل می شود و پاسخ می دهد. فیلسوف کسی است که باورهایی منظم و پیوسته دارد و می تواند برای آنها استدلال ارائه کند.

۵۷- آیا تلاش انسان ها برای فهم فلسفی عقاید و باورها همیشه بعد از آموختن فلسفه اتفاق می افتد؟

برخی از انسانها گاهی فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی به تفکر درباره ی باورهای خود می پردازند و نسبت به پذیرش آن باورها می اندیشند. آنان می خواهند به ریشه های باورهای خود برسند و با دیگر چرایی قبول آن ها را مرور کنند. در واقع انسان هاگاهی بدون آنکه فلسفه آموخته باشند، به فهم فلسفی عقاید و باورهای خود می پردازند.

۵۸- چه ارتباطی بین تفکر فلسفی و باورها است؟ بررسی کنید.

تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه تامل ردرهمین باورهای مربوط به زندگی است. آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها، راه پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست؛ در این صورت این خودمان هستیم که بنیان های فکری خود را می سازیم و به آزاد اندیشی می رسیم و شخصیتی مستقل کسب می کنیم.

۵۹- چگونه تمثیل غار راه رسیدن به آزادی حقیقی را تبیین می کند؟

زندانی رها شده از غار که به تدریج چشمانش به روشنی حقیقت عادت کرد و عامل شناخت اشیا را، همان نورو روشنی دانست، دیگر حاضر به بازگشت به جایگاه قبلی خود نخواهد بود و تلاش خواهد کرد که به انسان های اسیر در تاریکی غار بگوید که سایه ها، حقیقی نیستند و باید در عالمی خارج از عالم غار به دنبال حقیقت بود.

۶۰- نقش فلسفه در دوری از مغالطات چیست؟

یکی از فواید آموختن منطق، توانایی شناخت مغالطه ها و خارج کردن آن ها از باور هاست. فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد.

۶۱- نقش فیلسوفان در دوری از مغالطه ها چیست؟

الف- فیلسوفان می کوشند با کاستن از مغالطه ها، فهم درستی از حقایق چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد بیان کنند.

ب- آن ها همچنین می کوشند نمونه هایی از مغالطه های فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران تشریح کنند.

۶۲- نشانه های آزاداندیشی و استقلال در اندیشه یک فیلسوف چیست؟ بیان کنید؟

۱- فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد ۲- عقیده اش را برپایه ی توهم ، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند ۳- او در استدلال هامی اندیشد و اگر به درستی شان پی ببرد آن ها را می پذیرد.

۶۳- اگر همه مردم دارای تفکرات فلسفی هستند و درمسائل بنیاین آن می اندیشند، چه تفاوتی بین آن ها و فیلسوف است؟ از مقایسه خود به چه نتایجی می رسید؟

همه مردم درمسائل بنیادین فلسفی می اندیشند ونظرمی دهند؛ درباره ی خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی ورنج؛ اما فرق فیلسوف با دیگران دراین است که اولاً: فیلسوف درباره ی همین مسائل به نحو جدی فکر می کند. ثانیاً: با روش درست، وارد این قبیل مسائل می شود و پاسخ می دهد و ثالثاً: او باورهای منظم و پیوسته به یکدیگر دارد و می تواند برای آنها استدلال کند.

تمرینات وفعالیت های درس سوم

□ بررسی * ص ۲۰

۱- پاسخ های متناقض دانش آموزان:

ماهگیر نمی داند که چه آینده خوبی در انتظار اوست.

ماهگیر در محدوده ده خود فکر می کند، اما نگاه تاجر جهانی است.

ماهگیر به دنبال مادیات نیست و از جمع ثروت خوشش نمی آید.

۲- با پاسخ هایی که دانش آموزان به این سؤال می دهند، تکلیف خودشان درباره سؤال دوم را هم روشن می کنند. مثلاً: کی می گوید: ماهگیر اهل ریسک و فعالیت های پرخطر نیست، اما تاجر هست.

دیگری می گوید: زندگی برای ماهگیر خیلی ساده و ابتدایی است، اما تاجر نگاه پیشرفته ای به زندگی دارد.

سومی می گوید: ماهگیر می داند که تاجر عمرش را برای چیزی تلف کرده است که او از ابتدا آن را در اختیار داشته است و نظرات دیگر.

۳- در پاسخ به سؤال سوم می توان این نظرات را مطرح کرد:

زندگی، براساس پیشنهاد تاجر یک دور باطل و رسیدن به نقطه اول است.

برای تاجر، بعد مادی زندگی و پیشرفت اقتصادی مهم است.

برای ماهگیر، زندگی به معنای بودن در کنار دیگران و مهربانی با آنهاست.

اگر هر کس بخواهد مانند تاجر بیندیشد و عمل کند، ماهی های جهان نابود می شوند.

هدف زندگی نزد تاجر یک هدف مادی است؛ از نظر او بشر باید در این راه تلاش کند.

□ * تأمل ص ۲۲

برخی آدمها مثل تالس در این اموری اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی درست درباره جهان و انسان می رسند؛ در نتیجه می توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند.

□ * درس آموزی ص ۲۳

- ۱- زندگی برتر، آن زندگی است که بر پایه حقیقت بنا شده باشد، گرچه به دست آوردن این گونه از زندگی با دشواری هایی نیز همراه است
- ۲- انسان باید پیش از گرفتار شدن در زنجیر عادات، خود را مهیای شنیدن سخن حق کند و در برابر حقیقت متواضع باشد، سختی های راه را بپذیرد و انضباط و نظم عقلی را هرگز فراموش نکند.
- ۳- فلسفه تلاشی خردمندانه برای کسب حقیقت است و فیلسوف واقعی، که کسب حقیقت را بر هر چیزی ترجیح می دهد، بنا بر این در فلسفه می آموزیم برای بهتر زیستن از ظرفیت عقلانی خود بیشترین بهره را ببریم.

□ بررسی ص ۲۶

- ۱- راه نجات از نظر افلاطون، عبور از سایه به روشنایی (حقیقت) است و حرکت و پویایی است نه ایستایی بودن است. و تحمل سختی های زندگی است.
- ۲- رنج رسیدن به حقیقت
- ۳- زیرا جاهل و نادان زندانی در توهمات خودش است دیدگاه این گونه افراد محدود است. برای کشف حقیقت، ابتدا باید زنجیر عادت های نابخردانه، پیش داوری ها، تعصب های بیجا و دنباله روی های کورکورانه از سلیقه های گوناگون را با کمک عقل و خرد، پاره کرد و فکر را از تأثیر پذیری از آنها رهایی بخشید.
- ۴- الف- زندانی کردن خود در محسوسات و عالم سایه و عدم توجه به نور و روشنایی (حقایق)
ب- عدم درک حقایق، غرق در عادات و تعصب های نابخردانه و تعصب های بیجا
ج- عدم توجه به عالم معقولات و حقایق
د- قبول وضع موجود در عالم
۵- الف- عدم درک سخنان فرد جوان که نماد انسان متفکر است برای افراد معمولی و غرق در عالم محسوسات.
ب- انسان محبوس در زندان غار به وضع موجود عادت کرده اند و خلاصی از وضع موجود و رسیدن به وضع موعود و حقیقی سخت و رنج آور است.
ج- اهل تفکر معتقد به تغییر و تحول هستند ولی انسان های زندانی در غار (معمولی) به عادات سخیف خود دلبسته اند و از تغییر و تحول بیزارند.

□ *به کار ببندیم تمرین ۱ ص ۲۶

۱- خیر درست نیست...مغالطه تعمیم شتاب زده تعمیم یک حکم جزئی به همه مصداق ها. آری برخی فیلسوفان کاری به زندگی واقعی مردم نداشته اند اما همه این گونه نیستند. مانند سقراط.

□ *به کار ببندیم تمرین ۲ ص ۲۶

قسمت دوم یک جست و جو در کتاب های درسی است. شایسته است این تمرین جدی گرفته شود و دانش آموزان با مراجعه به کتاب ادبیات خود، اشعاری را که برای آنها جالب تر بوده، در کلاس ارائه دهند. (پس بیت دوم تامل برانگیز است).

۱- من به خود نامدم اینجا که به خود باز روم آنکه آورد مرا باز برد تا وطنم

@ نکات قابل توجه در این بیت:

الف- محدود بودن قدرت اختیار انسان ب- فوق طبیعی بودن حقیقت وجود انسان ج- بازگشت انسان به آن جایگاه حقیقی (وطن)
۲- این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکر نکند نقش بود بر دیوار

@ نکات قابل توجه در این بیت:

الف- تفکر در آفاق و انفس ب- شگفتی های جهان هستی ج- مشابهت انسان غیر متفکر با جمادات
۳- عالم ظهور جلوه یار است و جاهلان در جست و جوی یار به عالم دویده اند

@ نکات قابل توجه در این بیت:

الف- نشانه بودن جهان برای خداوند ب- جلوه خدا و ظهور خدا بودن هستی ج- بیراهه رفتن گروهی و نرسیدن آنها به حقیقت
۴- از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می روم آخر؟ نمایی وطنم؟

@ نکات قابل توجه در این بیت:

الف- طرح سه سؤال اساسی: از کجا؟ به سوی کجا؟ هدف خلقت؟ ب- وطن حقیقی انسان در جهانی برتر

□ *به کار ببندیم تمرین ۳ ص ۲۷

الف- شعر بیدل دهلوی: خاک این دشت هوس هیچ ندارد بیدل مگر از هستی موهوم غباری گیریم

@ نکات قابل توجه در این بیت:

۱- بی اعتباری این جهان طبیعت ۲- هست حقیقی در این جهان نیست و در جهان برتر است
ب- شعر وحشی بافقی: خرد را گر نبخشد روشنایی بماند تا ابد در تیره رای

@ نکات قابل توجه در این بیت:

۱- عقل و خرد زمانی راه درست و حقیقی را طی می کند که برای انسان روشنایی بیاورد.
۲- اگر عقل و خرد انسان روشنی بخش زندگی او نشود عقیده و رای انسان رافاسد می کند و در نتیجه جاهل و نادان می ماند.

□ *به کار ببندیم تمرین ۴ ص ۲۷

جمله اول: تولد و مرگ در اختیار ما نیست؛ اما فاصله بین آن دو را ما تکمیل می کنیم.

برخی نکات کلیدی این جمله:

۱- اختیار انسان مطلق نیست و در محدوده خاصی است.

۲- تصمیم گیری ما پُرکننده حیات ما از تولد تا مرگ است.

البته، مرگ تا حدودی در اختیار ماست. رفتار ما برای سلامتی جسم و روح در افزایش عمر مؤثر است. اما بالاخره حوادث فراوانی در مسیر زندگی هست که می توانند سبب یک مرگ ناگهانی شوند.

جمله دوم: هیچ کس نمی تواند به عقب برگردد و از نو شروع کند، اما همه می توانند از حالا شروع کنند.

برخی نکات کلیدی این جمله:

۱- گذشته انسان تکرارپذیر نیست. عبور از کودکی و رسیدن به نوجوانی اجباری است و وقتی که نوجوانی آمد، کودکی تکرار نمی شود. زمان در گذر است.

۲- انسان اختیار گذشته را ندارد. اختیار برای تصمیم های جدید است.

۳- همواره توانایی تغییر وجود دارد.

سعدی از عدم تکرار گذشته یک پیام اخلاقی ارائه می دهد:

مرد خردمندِ هنرپیشه را عمر دو بایست در این روزگار تا به یکی تجربه آموختن با دگری تجربه بردن به کار

جمله سوم: پرواز را بیاموز، نه برای اینکه از زمین جدا باشی، برای آنکه به اندازه فاصله زمین تا آسمان گشوده شوی.

برخی نکات این جمله:

۱- جدا شدن از جایی و آمدن به جای دیگر به معنای از دست دادن جای اولی است.

۲- کمال آن است که در عین حفظ امکانات قبلی، امکانات جدید هم کسب شود.

۳- آدمی باید همه مراتب وجود را با هم داشته باشد.

۴- تواضع و بودن با دیگران ثمره علم حقیقی است.

جمله چهارم: در مقابل مشکلات خم به ابرو نیاور! کارگردان، همیشه سخت ترین نقش را به بهترین بازیگر می دهد.

برخی نکات این جمله:

۱- جهان مدیری حکیم دارد که هیچ حقی را ضایع نمی کند.

۲- زندگی با مشکل و سختی همراه است و رشد و کمال با رفتن در دل سختی ها به دست می آید.

۳- مشکلات بزرگ برای کسانی است که همت بزرگ دارند.

□ نمونه سوالات تالیفی درس چهارم آغاز تاریخی فلسفه

@ تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام عبارت غلط می باشد

۱- نمی توان برای دانش فلسفه، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد.

۲- می توان گفت که فلسفه ابتدا در سرزمین یونان پدید آمده است.

۳- هر جاتمدنی شکل گرفته، حتما کسانی در آن تمدن بوده اند که درباره‌ی اساسی ترین مسئله های هستی و زندگی بشر اندیشیده و سخن گفته اند.

۴- تمدن های قدیمی تروساده تر، مقدمه و پلکان شکل گیری تمدن های جدیدتر بوده اند و دستاورد آنها به تمدن های جدیدتر منتقل شده است.

۵- اطلاعات امروزمانه تنهایی تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهد، بلکه می تواند بر اساس آثار باقی مانده گزارش اجمالی از دورترین اندیشه های فلسفی را ذکر نماید.

۶- گزارش معتبر و قابل اعتمادی از جریان فلسفه در سرزمین آتن و تمدن یونان، در قرنهای ۵ و ۶ پیش از میلاد در دست می باشد.

۷- برخی از تاریخ فلسفه نویسان اروپایی، تاریخ فلسفه خود را با یونان آغاز کرده اند.

۸- اندیشه های فلسفی یونان، ریشه در اندیشه فلسفی تمدن مصر، بین النهرین و ایران باستان ندارد.

۹- تاریخ فلسفه نویسان غرب، غالباً از یونان و فلاسفه یونانی پیش از سقراط آغاز می کنند.

۱۰- معمولاً هر اکلیتوس رانخستین فیلسوف یونانی معرفی می نمایند.

۱۱- پارمیندس معتقد است در جهان واقع، هستی راه ندارد و نمی توان گفت "نیستی، نیست."

۱۲- گزنوفانس، ریاضی را گونه ای خاص با فلسفه و عرفان آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد.

۱۳- به نظر فیثاغورث اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق اند و اعداد همان عناصر اولی همه موجودات هستند.

۱۴- به نظر ارسطو، فیثاغورسیان، نخستین کسانی بودند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شدند.

۱۵- اوپانیسادهای شامل متون متعدد هندو است و گاتاها که سروده های زرتشت می باشد.

۱۶- نخستین مجموعه های یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا حنبه فلسفی در آنها غلبه داشته، از ایران باستان به یادگار مانده است.

۱۷- پارمیندس معتقد است تنها با تفکر عقلی است که این حقیقت را می توان دریافت.

۱۸- پارمیندس فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی عقلانی به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخت.

۱۹- افلاطون و ارسطو و بسیاری از فلاسفه دوره های بعد برای پارمیندس ارزش زیادی قائل نبودند.

۲۰- پارمیندس برای نخستین بار به مفهوم وجود و بودن که از مفاهیم اساسی فلسفه هستند، به صورت روشنی دست یافته و درباره آنها بحث کرده است.

۲۱- تالس می گوید: آب اولین چیز و بنیان سایر چیزها است.

۲۲- فیثاغورس می گوید: شکل های هندسی اساس همه اشیا است.

۲۳- هر اکلیتوس معتقد بود که عنصر اولیه ای که سازنده سایر عناصر است، آب است.

۲۴- پارمیندس، معتقد بود هستی و وجود حقیقتی ثابت دارد، نه در حال حرکت و شدن.

۲۵- هر اکلیتوس معتقد است حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است.

۲۶- از نظر پارمیندس با عقل می توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.

۲۷- اندیشمندان نخستین یونان باستان فقط به تفکر فلسفی می پرداختند.

۲۸- هراکلیتوس واژه تئوری را به معنایی که امروزه رایج است.

۲۹- فیثاغورس واژه کیهان را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد.

۳۰- از نظر پارمیندس حواس فقط مرتبه ظاهری جهان وهستی را نشان میدهد که نشان دهنده امور مختلف ومتغیر است.

۳۱- از نظر پارمیندس با عقل می توان به برخی از لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.

۳۲- سوفیست هابه این دلیل که سخن اندیشمندان و جهان شناسان با یکدیگرمتضاد است وآنها نتوانسته اند تفسیر درستی از جهان به دست آورند، نظریات آنان را بیهوده دانستند.

جواب ها: ۱-ص ۲-غ ۳-غ ۴-ص ۵-غ ۶-غ ۷-ص ۸-غ ۹-ص ۱۰-غ ۱۱-غ ۱۲-غ ۱۳-ص ۱۴-ص ۱۵-ص ۱۶-غ ۱۷-ص ۱۸-غ ۱۹-غ

۲۰-ص ۲۱-ص ۲۲-ص ۲۳-غ ۲۴-ص ۲۵-غ ۲۶-ص ۲۷-غ ۲۸-غ ۲۹-ص ۳۰-ص ۳۱-غ ۳۲-ص

@جاهای خالی را با عبارات مناسب کامل کنید:

۳۳- برای دانش فلسفه از نظر زمانی و مکانی نمی توان.....تعیین کرد.

۳۴- از نخستین اندیشه های فلسفی بشر اثر..... و..... در دست نیست.

۳۵- در هر تمدنی که شکل گرفته شده، در باره اساسی ترین مسئله های..... و..... اندیشه ها و تأملات بوده است.

۳۶- تمدن های قدیمی و.....، تمدن های جدیدتر بوده اند.

۳۷- طبق گزارشات،..... یکی از سرزمین های فلسفه خیز بوده وحکیمان وفیلسوفانی خداپرست در آنجا می زیسته اند.

۳۸- سهروردی معتقد است که در..... انسانهای وارسته ای بوده اند که هم به حکمت وفلسفه می اندیشیدند و هم دارای سلوک معنوی بوده اند.

۳۹- تاریخ فلسفه نویسان اروپایی، تاریخ فلسفه خود را با آغاز کرده اند.

۴۰- در یونان باستان بود که دانش فلسفه شکل گرفت وتفسیر جهان با رایج شد.

۴۱- زادگاه فلسفه یونانی بخشی بود از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر (کشور ترکیه کنونی) که..... نامیده می شد.

۴۲- در آغاز شکل گیری فلسفه، آنچه بیش از هر چیز این اندیشمندان رابه خود مشغول می داشت،..... بود که پیوسته در..... رخ می داد.

۴۳- اندیشمندان نخستین یونان باستان کوشش می کردند تا به دیدگاهی دست یابند که بتوانند به درستی دگرگونی های عالم طبیعت را از نظر.....، تحلیل کنند.

۴۴- اندیشمندان نخستین یونان باستان دانشمندی بودند که کم وبیش بامجموعه علوم زمان خود، از جمله فلسفه آشنا بودند و به مسائل..... نیز توجه می کردند.

۴۵- مورخان فلسفه، غالباً از و..... پیش از سقراط یاد می کنند.

۴۶- در زمان سقراط بود که کلمه "....." بر سر زبان ها افتاد.

۴۷- مورخان فلسفه را، نخستین فیلسوف یونانی معرفی می کنند که در قرن..... می زیسته است.

۴۸- فیثاغورس ریاضیات را به گونه ای خاص با در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد.

- ۴۹- فیثاغورسیان عناصر اوّلی همه موجودات را.....می دانند.
- ۵۰- می گویندلفظ فلسفه را او برای اولین بار به کار برد.
- ۵۱- هراکلیتوس واژهرا به معنایی که امروزه رایج است.
- ۵۲- فیثاغورس واژه را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد.
- ۵۳- هراکلیتوس در تاریخ فلسفه به دودلیل شهرت داشت: الف-..... وب-..... .
- ۵۴- از نظر هراکلیتوس همه چیز در و است.
- ۵۵- از نظر هراکلیتوس دگرگونی، قانون و قانون است، بر همه چیز فرمان می راندونمی توان از آن گریخت.
- ۵۶- پارمیندس از اندیشمندان بزرگ یونان باستان است که بنابه نقل، سقراط در جوانی با وی ملاقات کرده است.
- ۵۷- پارمیندس فلسفه خود را به صورت عرضه کرده و بایبانی به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخته است.
- ۵۸- تالس ماده اولیه هر چیزی را..... می داند و فیثاغورس اساس همه اشیا را..... می داند.
- ۵۹- پارمیندس برای نخستین بار به مفهوم..... و..... که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند، توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر کرده است.
- ۶۰- پارمیندس بر خلاف، می گفت که هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.
- ۶۱- اعتقاد..... بر این بود که یک حقیقت واحد است. جهان امری یگانه و ثابت است و تحولی در کار نیست.
- ۶۲- مورخان فلسفه، غالباً از یونان و فلاسفه یونانی پیش از آغاز می کنند و معمولاً..... را نخستین فیلسوف یونانی معرفی می نمایند.
- ۶۳- از نظر پارمیندس در جهان واقع، نیستی راه ندارد و گفت نیستی، هست زیرا این جمله است.
- ۶۴- از نظر پارمیندس تنها با است که واقعیت و حقیقت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر را می توان دریافت.
- ۶۵- به نظر پارمیندس ما بایک واقعیت روبه روهستیم که از طریق حواس نمی توان به این واقعیت رسید.
- ۶۶- از دیدگاه پارمیندس حواس فقط را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است.
- ۶۷- به نظر پارمیندس با می توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.
- ۶۸- آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی اندیشمندان نخستین یونان سبب شد تنوعی..... و..... در ذهن مردم آن روزگار ایجاد کند.
- ۶۹- آشفتهگی فکری در یونان باستان به ظهور دانشمندانی منجر گردید که منادی بی اعتباری..... شدند.
- ۷۰- سوفیست هابه جای آموزش علوم به فن روی آوردند
- ۷۱- سوفیست هابه جای رسیدن به حقیقت، را..... هدف قرار دادند.

- جواب ها:** ۳۳- (آغازی) ۳۴- (مکتوب / نوشته شده) ۳۵- (هستی / زندگی بشر) ۳۶- (مقدمه / پلکان شکل گیری) ۳۷- (ایران باستان) ۳۸- (دوره کیانیان) ۳۹- (یونان) ۴۰- (روش عقلانی) ۴۱- (ایونیا) ۴۲- (دگرگونیهای / جهان طبیعت) ۴۳- (عقلی) ۴۴- (بنیادین هستی) ۴۵- (یونان - فلاسفه) ۴۶- (فیلسوف) ۴۷- (تالس / شش پیش از میلاد) ۴۸- (فلسفه و عرفان) ۴۹- (اعداد و اصول اعداد) ۵۰- (فیثاغورس) ۵۱- (تئوری) ۵۲- (کیهان) ۵۳- (وحدت اضداد / تغییر و تحول دائمی جهان) ۵۴- (سیلان / حرکت) ۵۵- (زندگی / کائنات) ۵۶- (افلاطون) ۵۷- (شعر / شاعرانه) ۵۸- (آب / اصول ریاضی) ۵۹- (بودن / شدن یا وجود / حرکت) ۶۰- (هراکلیتوس) ۶۱- (پارمیندس) ۶۲- (سقراط / تالس) ۶۳- (نمی توان / تناقض آمیز) ۶۴-

(تفکر عقلی) ۶۵- (بدون تغییر و جاودان و فناپذیر) ۶۶- (مرتبه‌ظاهر جهان وهستی) ۶۷- (عقل) ۶۸- (تشویش و نگرانی / بذربی اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه) ۶۹- (علم و اندیشه) ۷۰- (سخنوری) ۷۱- (پیروزی بر رقیب)

۷۲- هر یک از گزینه های ستون راست با یکی از گزینه های ستون چپ منا سبت دارد، آنها را در کنار هم بنویسید:

- | | |
|---------------|--|
| الف- پارمنیدس | ۱- عنصر اولیه ای که سازنده سایر عناصر است، آتش است |
| ب- فیثاغورث | ۲- آب اولین چیز و بنیان سایر چیزهاست |
| ج- هراکلیتس | ۳- اصول ریاضی عناصر اولیه ی همه موجودات است. |
| د- تالس | ۴- جهان امری یگانه و ثابت است و تحولی در کار نیست |
| ذ- گرگیاس | |

@ جوابها: ۱- (ج) ۲- (د) ۳- (ب) ۴- (الف)

۷۳- موارد سمت راست را با موارد سمت چپ انطباق دهید:

- | | |
|---------------|---|
| الف- فیثاغورث | ۱- بابیانی شاعرانه به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخت. |
| ب- پارمیندس | ۲- پایه گذار ریاضی وهندسه وریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان درهم آمیخت. |
| ج- هراکلیت | ۳- نخستین بار مفهوم بودن وشدن که از مفاهیم اساسی فلسفه هستند، به صورت روشنی دست یافت. |
| د- تالس | |

@ جواب ها: ۱- (ب) ۲- (الف) ۳- (ب)

گزینه ی صحیح را انتخاب کنید:

۷۴- کدام عبارت نادرست است؟

- ۱) برخی از تاریخ فلسفه نویسان اروپایی تاریخ فلسفه خود را با یونان آغاز کرده اند.
- ۲) اندیشه های فلسفی یونان ریشه در اندیشه های فلسفی تمدن مصر، بین النهرین و ایران باستان دارد.
- ۳) گزارش معتبر و قابل اعتمادی از جریان فلسفه در یونان، در قرن ۴ و ۵ پیش از میلاد، در دست می باشد.
- ۴) اطلاعات امروز ما به وضوح می تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهد.

۷۵- عقیده تالس و هراکلیتوس درباره ماده اولیه که جهان از آن ساخته شده است، به ترتیب چیست؟

- ۱) اصل نخستین همه چیزها آب است. - عنصر اولیه ای که سازنده سایر عناصر است، آتش است
- ۲) عنصر اولیه ای که سازنده سایر عناصر است، آتش است. - اصل نخستین همه چیزها آب است.
- ۳) شکل های هندسی اساس همه اشیاء است. - اصل نخستین همه چیزها آب است.
- ۴) عنصر اولیه ای که سازنده سایر عناصر است، آتش است. - شکل های هندسی اساس همه اشیاء است.

جواب سوالات تستی: ۷۴- (گزینه ۴)، ۷۵- (گزینه ۱)

@ پاسخ کوتاه دهید:

۷۶- از نظر سهروردی در دوره کیانیان انسان های وارسته چه ویژگی های داشتند؟

به حکمت و فلسفه می اندیشیدند و هم دارای سلوک معنوی بوده اند.

۷۷- دومورد از آثار به جا مانده از تمدن های باستانی رانام برده و بنویسید که ویژگی اصلی آثار آنها چه موردی است؟

۱- اوپانیشادهای که شامل متون متعدد هندو است. ۲- گاتاها که سروده های زرتشت می باشد.

ویژگی اصلی آثار آنها، تفکر در مسائل بنیادین هستی است.

۷۸- در یونان باستان تفسیر جهان هستی به چه روشی است؟

روش عقلی

۷۹- واژه فیلسوف در زمان کدام فیلسوف برسر زبان ها افتاد؟

سقراط

۸۰- مورخان فلسفه نخستین اندیشمندان یونانی که اندیشه فلسفی مشخصی داشته چه نامیده اند و در کدام قرن می زیسته است؟

تالس / وی در قرن ششم پیش از میلاد می زیست.

۸۱- اعتقاد «پارمیندس» در باره جهان و موجودات آن چه بود؟

پارمیندس به عکس معتقد بود که یک حقیقت واحد است. جهان امری یگانه و ثابت است و تحولی در کار نیست.

۸۲- چگونه می توان ریشه بسیاری از اندیشه هایی که اکنون در بین ما رایج است را بشناسیم؟

با بررسی و تحلیل آغاز اندیشه های فیلسوفانه و تفکرات فلسفی

۸۳- ویژگی مشترک تالس با سایر فیلسوفان دوره نخست به عنوان یکی از اندیشمندان نخستین چیست؟

تالس که مانند دیگر اندیشمندان آن دوره به دنبال یافتن مبدأ تغییرات و دگرگونی ها بود.

۸۴- تاریخ فلسفه نویسان غرب فلسفه را از کجا و با کدام فیلسوفان آغاز می کنند؟

غالباً از یونان و فلاسفه یونانی پیش از سقراط

۸۵- زادگاه فلسفه یونان کجاست؟ و از چه زمانی آغاز شده است؟

زادگاه فلسفه یونانی بخشی بود از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر (کشور ترکیه کنونی) که ایونیا نامیده می شد.

۸۶- نام چند تن از فلاسفه و اندیشمندان اولیه یونانی پیش از سقراط را به ترتیب بنویسید.

۱- تالس ۲- فیثاغورس ۳- هراکلیتوس ۴- پارمیندس

۸۷- چگونه می توان به افکار فلسفی تالس پی برد؟

از تالس هیچ گونه نوشته ای باقی نمانده، تنها از روی نوشته های فیلسوفان بعدی می توان از افکار او آگاه شد.

۸۸- ویژگی های فلسفه پارمیندس چه بود؟

پارمیندس فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرد و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخته است.

۸۹- تالس ماده اولیه موجودات را چه می داند؟

آب اولین چیز و بنیان سایر چیزهاست. همه چیزها از آب ساخته شده است. به گمان او زمین نیز روی آب قرار گرفته است.

- ۹۰- یکی از مسئله‌هایی که دائم به ذهن اولین فیلسوفان خطور می‌کرد، چه مسئله‌ای بود؟ این بود که موجودات از چه چیزی ساخته شده‌اند؟ به عبارت دیگر ماده‌ی اولیه‌ی این موجودات چه بوده است؟
- ۹۱- پارمیندس چگونه به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخت؟ او فلسفه‌ی خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخته است.
- ۹۲- از نظر تاریخ‌نگاران فلسفه غربی، نخستین فیلسوف یونان کیست؟ و در چه قرنی می‌زیسته است؟
- تالس - قرن شش پیش از میلاد
- ۹۳- هریک از عقاید زیر متعلق به کدام فیلسوف یونانی است؟
- الف- حقیقت و واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر راتنها با تفکر عقلی است که می‌توان دریافت.
- ب- شکل‌های هندسی اساس همه اشیا است
- ج- آب اولین چیز و بنیان سایر چیزها
- د- حواس فقط مرتبه‌ی ظاهری جهان و هستی را نشان می‌دهد که نشان دهنده‌ی امور مختلف و متغیر است.
- و- هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می‌راند
- ی- هستی و وجود حقیقتی ثابت دارد، نه در حال حرکت و شدن

@ جواب‌ها:

- الف- پارمیندس ب- فیثاغورث ج- تالس د- پارمیندس و هراکلیتوس ی- پارمیندس
- ۹۴- به طور خلاصه نظر پارمیندس در مورد هستی وجود را بنویسید؟
- هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.
- ۹۵- چرا در یونان باستان مردم نسبت به دانش و اندیشه در ذهن خود بی‌اعتماد شدند؟
- آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که این اندیشمندان عرضه داشتند.
- ۹۶- سوفسطاییان چه نوع علمی را آموزش می‌دادند؟ فن سخنوری
- ۹۷- چرا از دیدگاه پارمیندس ادراک عقلی می‌تواند انسان را به واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر برساند؟
- زیرا با عقل می‌توان به لایه‌ی باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.

@ پاسخ کامل دهید:

- ۹۸- اهمیت تمدن‌های قدیمی‌تر و ساده‌تر بر تمدن‌های بعدی چه بوده است؟
- تمدن‌های قدیمی مقدمه و پلکان شکل‌گیری تمدن‌های جدید بوده‌اند و دستاورد آن‌ها به تمدن‌های جدید نسل به نسل منتقل گشته است.
- ۹۹- چرا برخی تاریخ‌فلسفه‌نویسان اروپایی، تاریخ فلسفه خود را با یونان آغاز کرده‌اند؟
- زیرا همان‌طور که در تاریخ فلسفه‌ها آمده است، گزارش معتبر و قابل اعتمادی از جریان فلسفه در سرزمین آتن و تمدن یونان، در قرن‌های چهارم و پنجم پیش از میلاد در دست است.

۱۰۰- چرا تالس عقیده داشت که آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست؟

زیرا او می دید که آب در درجات بالابخار می شود در درجات بسیار پایین منجمد و سخت می گردد و وقتی به صورت باران می آید، گیاهان از زمین می رویند. پس اینها هم حتما شکل دیگری از آب اند.

۱۰۱- ویژگی و ساختار فلسفه فیثاغورس چگونه است؟

فیثاغورس نه تنها پایه گذار ریاضی و هندسه است بلکه از پایه گذاران فلسفه نیز محسوب می شود. اوریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد

۱۰۲- فیثاغورس اساس وماده اولیه همه اشیا و جهان را چه می داند؟

فیثاغورس می گوید: شکل های هندسی اساس همه اشیا است. اصول ریاضی در باره تمام موجودات صادق است و این اصول ، عناصر اولیه همه موجودات است.

۱۰۳- اصطلاحات و مفاهیمی که فیثاغورث در فلسفه خود به کار برد نام ببرید؟

الف- لفظ فلسفه را برای اولین بار به کاربرد. ب- تئوری به معنایی که امروزه رایج است.

ج- واژه کیهان را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد.

۱۰۴- افلاطون و ارسطو برای کدام فیلسوف نخستین یونانی ارزش زیادی قائل بودند و چرا؟

پارمیندس، زیرا او برای نخستین بار به مفهوم بودن (وجود) و شدن (صیوروت و حرکت) که از مفاهیم اساسی فلسفه هستند، به صورت روشنی دست یافته و درباره آنها بحث کرده است.

۱۰۵- آیا فیلسوفان نخستین یونان فقط به تفکر فلسفی می پرداختند؟ توضیح دهید.

خیر، زیرا آنان دانشمندی بودند که کم و بیش با مجموعه علوم زمان خود از جمله فلسفه آشنا بودند و به مسائل بنیادین هستی نیز توجه می کردند. حتی در آن ایام هنوز کلمه فیلسوف برای کسی به کار نمی رفت.

۱۰۶- چرا از یونان باستان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند؟

الف- نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه فلسفی در آنها غلبه داشته، از یونان باستان به یادگار مانده است.

ب- در آنجا بود که دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد.

۱۰۷- آیا می توان زمان و مکان دقیق آغاز فلسفه را مشخص کرد چرا؟

خیر، نمی توان برای دانش فلسفه، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد. همانطور که نمی توان گفت فلسفه ابتدا در کدام سرزمین پدید آمده است. البته این سخن در باره ی همه دانش ها صدق می کند. زیرا هر جا که تمدنی شکل گرفته و پدید آمده، حتما کسانی در آن تمدن بوده اند که در باره ی اساسی ترین مسئله های هستی و زندگی بشر می اندیشند و سخن گفته اند. گرچه آثار مکتوبی از آنان به ما نرسیده باشد و ما اطلاعی از آن اندیشه ها و سخن ها نداشته باشیم. برخی از تمدن ها آن قدر قدیمی اند که در اثر گذر زمان و آمد و شد حوادث، آثار تمدنی آنها از بین رفته است.

۱۰۸- چه مسئله ای اولین فیلسوفان یونان را به خود مشغول داشته است؟ این مسئله را تبیین کنید.

دگرگونی هایی بود که پیوسته در جهان طبیعت رخ می داد. آنها کوشش می کردند تا به دیدگاهی دست یابند که بتوانند به درستی این دگرگونی ها را از نظر عقلی، تحلیل کنند.

۱۰۹- چگونگی رسیدن به یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر از نظر پارمیندس چیست؟

از طریق حواس نمی توان به این واقعیت رسید. تنها با تفکر عقلی است که این حقیقت را می توان دریافت. حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است. اما با عقل می توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.

۱۱۰- چرا از دیدگاه پارمیندس ادراک حسی نمی تواند انسان را به واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر برساند؟ چون حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است.

۱۱۱- سوفسطاییان در کجا ظهور کردند و ظهور آنها در یونان باستان چه نتیجه و پیامدی داشت؟

عموماً در قسمتی از آسیای صغیر، که آن روزها جزء سرزمین یونان بود، زندگی می کردند و هنوز در آتن، خبری از دانشمندان بزرگ نبود. اما به تدریج دیدگاه این دانشمندان، آتن، پایتخت یونان را هم تحت تأثیر قرار داد و آتن به مرکز نظریات گوناگون و اختلافات فکری تبدیل شد.

۱۱۲- آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی اندیشمندان نخستین یونان باستان چه نتیجه و پیامدی داشت؟

سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذری اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده گردد.

۱۱۳- چرا سوفسطاییان به جای آموزش علوم به فن سخنوری روی آوردند؟

به این دلیل که سخن اندیشمندان و جهان شناسان با یکدیگر متضاد است و آنها نتوانسته اند تفسیر درستی از جهان به دست آورند، نظریات آنان را بیهوده دانستند و به جای آموزش علوم به فن سخنوری روی آوردند.

۱۱۴- سوفسطاییان چه هدفی را دنبال می کردند؟ و نظر آنها در مورد حقیقت و واقعیت را بنویسید؟

به جای رسیدن به حقیقت، پیروزی بر رقیب را هدف قرار دادند و به آنجا رسیدند که اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند.

۱۱۵- دلایل شهرت هراکلیتوس در تاریخ فلسفه را به اختصار بنویسید؟

به دلیل دواندیشه اوست؛ **اولی** وحدت اضداد است. او عقیده داشت که اموری که با هم ضد هستند، می توانند با یکدیگر جمع شوند؛ **دومی** دومین اندیشه مشهور وی تغییر و تحول دائمی جهان است.

۱۱۶- چرا در تاریخ فلسفه و یونان باستان سوفسطاییان ظهور کردند؟

آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که این اندیشمندان عرضه داشتند، سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذری اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده گردد. این آشفتگی فکری به ظهور دانشمندانی منجر گردید که منادی بی اعتباری علم و اندیشه شدند.

۱۱۷- با ذکر نمونه و مثالی نظریه وحدت اضداد هراکلیتوس را تبیین کنید؟

۱- مثلاً دامنه کوه، هم سربالایی است و هم سرپایینی.

۲- درباره یک لیوان که تانصف آن آب است، هم می توان گفت نیم لیوان خالی است و هم می توان گفت نیم آن پر است و این دو جمله تضادیا یکدیگر ندارند. پس وجود این اضداد است که جهان را می سازد و گریزی ازستیز و تضاد نیست.

۱۱۸- منظور هراکلیتوس از عبارت مقابل چیست؟ "نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد"

او می گفت "چیز در سیلان و حرکت است" هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت.

۱۱۹- دیدگاه هراکلیتوس و پارمیندس درباره هستی را بایگدیگر مقایسه کنید؟

وی بر خلاف هراکلیتوس، می گفت که هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد. او می گفت در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت "نیستی، هست"، زیرا این جمله تناقض آمیز است. ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم.

۱۲۰- ارسطو در باره فیثاغورس و پیروان او چه می گوید؟

ارسطو می گوید «فلسوفانی که به نام فیثاغورسیان خوانده می شوند، نخستین کسانی بوده اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند. در نظر آنان، اصول ریاضی در باره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند».

۱۲۱- نظریه هراکلیتوس درباره تغییر و تحول دائمی جهان را توضیح دهید؟

او می گفت "چیز در سیلان و حرکت است" هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت.

۱۲۲- چرا اطلاعات ما از نخستین اندیشه ها و سخنان فلسفی بشر محدود است و آیا این اطلاعات می تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه به ما ارائه دهد؟

زیرا آثار مکتوبی از آنان به ما نرسیده است و بعضی از تمدن ها آن قدر قدیمی اند که در گذر زمان و آمد و شد حوادث، آثار تمدنی آن ها از بین رفته است، از این رو اطلاعات امروز ما به هیچ وجه نمی تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهند، بلکه می تواند بر اساس آثار باقی مانده گزارشی اجمالی از دور ترین اندیشه های فلسفی را ذکر نماید.

۱۲۳- چرا افلاطون و ارسطو و بسیاری از فلاسفه ی دوره های بعد برای پارمیندس، ارزش زیادی قائل بودند؟

زیرا او برای نخستین بار به مفهوم «بودن» (=وجود) و «شدن» (=صیورت- از حالتی به حالت دیگر در آمدن) که از مفاهیم اساسی فلسفه هستند، به صورت روشنی دست یافته و در باره ی آن ها بحث کرده است.

□ تفکر در عبارات ص ۳۰

- ۱- بردانش نسبت به خویشتن یا همان معرفت نفس است که به نوعی بر معرفت درون یا شناخت خویشتن تاکید دارد. خودشناس مقدمه ای بر دیگرشناسی است. (نوعی معرفت عرفانی و شهودی و مسائل اساسی درباره انسان و جهان و طبیعت)
- ۲- معرفت به بنیادین ترین و اساسی ترین مسئله فلسفی که همان شناخت و معرفت خداست. یا خدا باوری و اعتقاد به خالق جهان هستی (با این توضیح که تائویسیم مبنای باور خود را بر وحدت وجود قرار می دهد و با دوری از سخنان و ظواهر مادی و کنار گذاشتن عقل و اصرار بر سکوت، سعی در مکاشفه قلبی برای رسیدن به اصل تائو دارد. تائو (Tao) به معنی راه، خدا، خرد، واژه، معنا و منطق است. تائو بی شکل و بی نام، نادیدنی، ناشنیدنی، غیر قابل درک، ولی کامل ترین و برترین است. آرام و خاموش، اما در جنب و جوش ابدی است، خود را تغییر نمی دهد، ولی عامل تمامی تغییرها و دگرگونی ها است. ابدی و بی نهایت است و ریشه هستی، مادر و آفریننده بودن ها و همه جهان است. انسان، وابسته به زمین است و زمین وابسته به آسمان (کهکشانش) و آسمان وابسته به تائو و تائو وابسته به خودش و بس. همه چیز از تائو سرچشمه گرفته و به سوی او باز خواهد گشت.)
- ۳- بحث عقل نظری و عقل عملی و نیز فلسفه اخلاق ویا تاثیر باور های فلسفی و مستدل در باره جهان هستی بر کردار و رفتار و گفتار (تبیین عقلانی مسائل اخلاق)

(شهید مطهری معتقد است این نکته جوهر اخلاقیات زرتشت است که بعدها در یک سیستم بزرگ کیهان شناسی بسط و گسترش یافت. انسان با انتخاب درست و تبعیت از قانون (اشوان) به تفوق نهایی گوهر نیکی، یعنی اهورامزدا بر گوهر بدی (دروغ، انگره مینیو) کمک می کند، او با الهام از جانب وهومنه (فکر درست) در مقابل تمام دروغ، دئوه، کوی، جادو، پییرکا و مراسم مربوط به آن (قربانی موجودات و نوشیدن هومت) می ایستد.)

□ بررسی ص ۳۲

جمع وحدت اعداد و تغییر دائمی هراکلیتوس: این دو را باید در کنار هم در نظر گرفت؛ در واقع هراکلیتوس بر این باور بود که وحدت جهان تنها از راه ستیزه و کشمکش و تضاد می تواند وجود داشته باشد.

□ اندیشه ص ۳۴

اگر چیزی به وجود آید، یا از وجود به وجود می آید یا از لا وجود

اگر از وجود به وجود آید، در این صورت قبلا هست

اگر از لا وجود به وجود آید در این صورت هیچ چیز نیست.

زیرا از هیچ، هیچ چیز به وجود نمی آید.

بنابر این: وجود فقط هست و یکی است.

۱- فیثاغورس:

شرح: موجودات مادی دارای بعد هستند و هر چیزی که از یک سری نسبت های هندسی و یک اندازه خاص به وجود آمده است، یعنی اگر هر چیزی را بررسی کنیم، می توانیم آن را دارای یک سری نسبت ها و اندازه ها بدانیم.

۲- هراکلیتوس:

شرح: وحدت جهان تنها از راه ستیزه و کشمکش و تضاد می تواند وجود داشته باشد.

۳- تالس:

شرح: همه چیز در نهایت از آب ساخته شده است؛ زیرا آب در درجات بالا بخار می شود و در درجات بسیار پایین منجمد و سخت می گردد و وقتی به صورت باران می آید، گیاهان از زمین می رویند، پس اینها هم حتما شکل دیگری از آب هستند

۴- هراکلیتوس:

شرح: جهان همواره و در هر لحظه در حال تغییر و دگرگونی است که قانون کائنات است. در تغییر و تحول، حالات جدید شکل می گیرد.

۵- پارمنیدس:

شرح: در جهان هستی، نیستی راه ندارد زیرا نیستی یعنی هیچ و از هیچ، چیزی به وجود نمی آید.

□ نمونه سوالات تالیفی درس پنجم زندگی براساس اندیشه

* تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام عبارت غلط می باشد:

۱- سقراط اخلاق و منش جذابی داشت. رفتار متواضعانه و همراه با احترام او موجب شده بود جوانان زیادی مجذوبش شوند.

۲- افلاطون چهره برجسته تاریخ فلسفه است.

۳- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های اندیشمندان نخستین بود.

۴- سوفسطاییان معتقد بودند که جهان را می توان با عقل و تفکر شناخت.

۵- سوفسطاییان معتقد بودند آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست.

۶- سوفسطاییان معتقد بودند آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تطابقی با واقعیت ها ندارد.

۷- دانشمندان با کمک اقسام مغالطه ها وجدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند.

۸- تأثیر اندیشه هایی سوفسطاییان، اخلاق و فضیلت میان مردم کم رنگ شده بود و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند.

۹- تأثیر اندیشه هایی سوفسطاییان، جامعه آتن را از حقیقت و فضیلت دور کرد. و حق طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه کم رنگ شد.

۱۰- در مقابل سوفسطاییان، قهرمانی به نام «افلاطون» پرچم علم و فضیلت را برافراخت. او برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرده و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.

۱۱- افلاطون هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد. زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است.

۱۲- زندگی سقراط حکایت واقعی فلسفه است.

۱۳- افلاطون نشان می دهد که سقراط عمر خود را مصروف اصلاح خود و شناساندن افکار مغالطه آمیز سوفیستها کرد.

۱۴- سقراط، روش بحث ثابتی نداشت و در مسائل متنوع شیوه متغیر داشت.

۱۵- به نظر افلاطون، سقراط مفهومی از مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی گزید و درباره اش پرسش می کرد.

۱۶- سقراط به مردم می آموخت که هر چیزی را مورد سؤال قرار دهند. او جهالت افراد نادان را به رخشان می کشید.

۱۷- سقراط به مردم آتن می گوید: از گشت و گذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم. که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید.

۱۸- سقراط معتقد است ثروت، فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است.

۱۹- ملتوس می گفت: "من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن، لب از گفتار فرو بندم."

۲۰- در دادگاه آتن ملتوس به نمایندگی از متهم کنندگان، سقراط را محکوم کرد..

۲۱- از نظر سقراط: داناترین شما آدمیان، کسی است که چون فیلسوف بداند که هیچ نمی داند.

۲۲- سقراط در ادامه دفاعیانش از کسانی یاد کرد که دشمن او هستند.

۲۳- یکی از اتهامات سقراط در دادگاه، گمراه ساختن جوانان بود.

۲۴- از نظر سقراط گریزاز مرگ دشوار است. و کسی که به راه درستی دست یافت باید از مرگ یا از هر خطر بترسد.

۲۵- ما از مطالعه و تأمل در زندگی سقراط می توانیم دفراندیشه های فلسفی اش را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه در زندگی، بیشتری ببریم.

۲۶- سقراط گفت: من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ ولی دوستان من، با همه چستی و چالاکی، در چنگال بدی گرفتار آمدند.

@جواب ها: ۱-ص ۲- غ ۳- غ ۴- غ ۵- ص ۶- ص ۷- غ ۸- ص ۹- ص ۱۰- غ ۱۱- غ ۱۲- ص ۱۳- غ ۱۴- غ ۱۵- ص ۱۶- غ ۱۷- ص ۱۸- ص ۱۹- غ ۲۰- ص ۲۱- غ ۲۲- ص ۲۳- ص ۲۴- غ ۲۵- ص ۲۶- غ

***جاهای خالی را با عبارات مناسب کامل کنید:**

۲۷- سقراط در جمع هم شهریانش مسائل.....را موضوع تفکر قرار می داد

۲۸- سقراط می گفت من کسی نیستم که به خاطر.....سکوت کنم.

۲۹- نحوه مرگ سقراط اعدام بابود.

۳۰- بزرگ ترین شاگرد سقراط.....بود.

۳۱- سقراط از طرف برخی ازآتنی محاکمه و محکوم به مرگ شد.

۳۲- سقراط در جامعه آتن پرچم دار علم و فضیلت و احیا کننده.....و استوار کننده شالودهاصیل بود.

۳۳- روش گفت وگو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می گرفت، به تدریج به..... شهرت یافت.

۳۴- سرانجام مقامات حکومتی سقراط را به اتهاموبازداشت کردند و او را محاکمه نمودند.

۳۵- در دادگاه آتنبه نمایندگی از متهم کنندگان، سقراط را محکوم کرد.

۳۶- ملتوس جرم سقراط در دادگاه آتن را.....و.....معرفی کرده و او را متهم کرد.

۳۷- ملتوس از دادگاه برای سقراط درخواست مجازاتکرد.

۳۸- سقراط دانای حقیقی رامی داند.

۳۹- سروش معبد دلفی به.....الهام کرده بود که داناترین مردم.....است.

۴۰- به اعتقاد سقراط کسی که به راه درستی دست یافت هرگز نباید از.....هراسی به دل به دل راه دهد.

@جواب ها: ۲۷- (روزمره) ۲۸- (پول) ۲۹- (نوشیدن جام شوکران) ۳۰- (افلاطون) ۳۱- (متهم کنندگان) ۳۲- (تفکر عقلانی - تفکر فلسفی) ۳۳- (روش سقراطی) ۳۴- (فاسد کردن جوانان / بی ایمانی به خدایان) ۳۵- (ملتوس) ۳۶- (بی ایمانی به خدایان - فاسد کردن جوانان) ۳۷- (مرگ) ۳۸- (خدا) ۳۹- (کرفون - سقراط) ۴۰- (خطر)

@گزینه درست را انتخاب کنید:

- ۴۱- سقراط چگونه و براساس کدام دلیل پی برد که گروه بزرگی به غلط او را دانا می دانند درحالی که دانا نیست؟
 (۱) جدا کردن کسانی که ادعای دانشمندبودن می کنند از دانشمندحقیقی.
 (۲) آشکار کردن دانایی مدعیان دانش
 (۳) باسخن سروش معبددلفی دریافت.
 (۴) آن دانایان از پاسخ به سوالات سقراط درمی ماندند.
 ۴۲- با توجه بادفاعیات سقراط دردادگاه کدام عبارت مناسبتر است؟
 (۱) وی انکار خدایان متعددرا، دلیلی برانکار خدای یگانه نمی دانست.
 (۲) به اعتقاد وی خورشید، سنگ و ماه، کره ای خاکی بیش نیست.
 (۳) سخنان وی درمورد دانایی و عدالت، نشان می داد که به خدامعتقد است.
 (۴) به گفته او همانطور که صفات انسانی اثبات کننده وجود انسان بود، جهان از آن خدا بود.

جواب تست ها: ۴۱- (یک) ۴۲- (سه)

***هر یک از گزینه های ستون راست با یکی از گزینه های ستون چپ مناسبت دارد، آنها را در کنار هم بنویسید؟ (دومورد)**

اضافی است)

الف) کرفون	۴۳) از نمایندگان متهم کنندگان سقراط
ب) پروتاگوراس	۴۴) دوست سقراط
ج) ملتوس	۴۵) دانای حقیقی
د) دفاعیه سقراط	۴۶) بیان فلسفی
ذ) خدا	

جواب ها: ۴۳- (ج) ۴۴- (الف) ۴۵- (ذ) ۴۶- (د)

***پاسخ کوتاه دهید:**

- ۴۷- سقراط چگونه مراتب خردمندی را طی کرد؟
 او استادی نداشت بلکه بیشتر از راه مطالعه ی آثار گذشتگان و تفکر و تأمل و رفتار صحیح در زندگی مراتب خردمندی را پیمود.
 ۴۸- چگونه می توان به عمق افکار فلسفی سقراط پی برد؟

او هیچ کتابی ننوشت اما با فلسفه اش زندگی کرد. ما از مطالعه و تأمل در زندگی او می توانیم دفتر اندیشه های فلسفی او را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه با زندگی بیشتری ببریم.

۴۹- جامعه آتن در زمان سقراط متاثر از چه اندیشه های بود و عقیده آنان چه بود؟

سوفسطائیان، آنان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابقی با واقعیت ها ندارد.

۵۰- سوفسطائیان چگونه بر شیوه زندگی مردم جامعه آتن تاثیر می گذاشتند؟

آنان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند.

۵۱- در شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله گرفته بود، سقراط چه اقدامی انجام داد؟

سقراط پرچم علم و فضیلت را برافراخت و برای احیای تفکر عقلانی قیام کرد و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.

۵۲- سقراط مأموریت خود را از جانب خداوند چه چیزی عنوان کرد؟

«خداوند مرا مأمور کرده تا در جستجوی دانش باشم و آن را به دیگران آموزش دهم»

۵۳- در جامعه آتن چه چیزی حکایتگر واقعی یک فلسفه بود؟ و چه کسی و چگونه آنرا به تصویر کشیده است؟

زندگی سقراط - افلاطون، شاگرد برجسته سقراط این زندگی را حکایت کرده و مبارزه سقراط را با مغالطه گران، سوفسطائیان و بارش شک و ناباوری را به تصویر کشیده است.

۵۴- دانایی حقیقی در نزد سقراط چیست؟ خدا

۵۵- اتهاماتی که دادگاه آتن به سقراط زده شده، چه بود؟

۱- فاسد کردن جوانان ۲- بی ایمانی به خدایان

۵۶- سقراط در مقابل این اعتقاد سوفسطائیان که آنچه را که ما علم و دانش می نامیم تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست

و تطابقی با واقعیت ها ندارد چه عاملی را به عنوان راه حل معرفی می نماید؟

سقراط پرچم علم و فضیلت را برافراخت و برای احیای تفکر عقلانی قیام کرد و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.

۵۷- ویژگی دفاعیه سقراط چه بود؟

دفاعیه سقراط بیانیه ای فلسفی بود که همه ی اصول زندگی فلسفی سقراط را در بر داشت.

۵۸- به اعتقاد سقراط چرا مردم او را دانا می پندارند و نظر او در باره دانای حقیقی چیست؟

شاید به این دلیل که هر بار نادانی کسی را آشکار می کنم، حاضران مجلس گمان می کنند که آنچه او نمی دانم

می دانم در حالی که دانای حقیقی فقط خداست.

۵۹- افترايي که از دير باز مخالفان ديرين سقراط به او نسبت مي دادند چه بود؟

سقراط رفتاري خلاف دين مادر پيش گرفته و در پي آن است که به اسرار آسمان و زمين دست يابد، باطل را حق جلوه دهد و اين کار را به ديگران هم مي آموزد

۶۰- سرانجام محاکمه سقراط چه بود؟

مليتوس براي ادعای خود شواهدی ذکر کرد و در پايان از دادگاه برای سقراط درخواست مجازات مرگ نمود.

۶۱- از نظر سقراط گريز از چه چيز دشوار است؟ چرا؟

ای آتنيان! گريز از مرگ دشوار نيست، اما گريز از بدی دشوار است؛ زیرا بدی تندتر از مرگ می دود.

۶۲- نظريه افلاطون درباره را به اختصار بنويسيد؟

نشان می دهد که سقراط عمر خود را مصروف اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آميز سوفيست ها کرد. با هر

کس که به او گوش می داد، مسائل اساسی خداشناسی، اخلاق، سياست و اجتماع را در ميان می گذاشت.

۶۳- نظر سقراط در مورد هر یک از مسائل زير چيست؟ به صورت مختصر بنويسيد؟

الف- ماموريت خدا به سقراط؟ ب- چه کسی از خطر ، هراسی به دل راه نمی دهد؟

ج- علت ترس از مرگ؟ د- نصيب وی و آتنيان به وقت رفتن از اين دنيا؟

الف- در جست وجوی دانش بکوشم و آن را به ديگران بياموزم.

ب- کسی که به راه درستی دست يافت و آن را در پيش گرفت.

ج- جز اين نيست که آدمی خود رادانا بيندارد بی آنکه دانا باشد

د- من به سوی مرگ می روم و شما به سوی زندگی.

@ پاسخ کامل دهيد:

۶۴- به اعتقاد سقراط راز سروش معبد دلفی که گفته بود «دانا ترين مردم سقراط است»، چه بود؟

راز سروش معبد دلفی اين بود که به ما بنماياند تا چه پایه نادانيم و خيال می کنم نام مرا به عنوان مثال مطرح کرده تا بگويد: دانا ترين شما آدميان کسی است که چون سقراط بداند که هيچ نمی داند.

۶۵- راز پيام سروش معبد دلفی در مورد سقراط چه بود؟

راز سروش معبد دلفی که در الهامی به دوستم کرفون گفته بود داناترین مردم سقراط است همین بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم البته خیال می کنم نام مرا به عنوان مثال طرح کرد تا بگوید: داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند

۶۶- سقراط چگونه سعی کرد تا راز پیام غیبی سروش را کشف کند؟

راز سروش معبد دلفی: داناترین مردم سقراط است همین بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم البته خیال می کنم نام مرا به عنوان مثال طرح کرد تا بگوید: داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند.

۶۷- از نظر سقراط، اگر بدلیل ترس از مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتا بدسزاور چیست؟

سزاوار است که دادگاهی تشکیل دهند و بگویند سقراط به خدا اعتقاد ندارد. ارتکاب آن گناه دلیل بر سرپیچی از امر خدا است؛ در آن صورت مدعی داشتن دانشی شده ام که در حقیقت فاقد آن هستم.

۶۸- به نظر سقراط گریز از چه امری دشوار است چرا؟ سخن او را بنویسید.

«ای آتینان! گریز از مرگ دشوار نیست، گریز از بدی دشوار است؛ زیرا بدی از مرگ تندتر می دود من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ ولی مدعیان من با همه ی چستی و چالاکی در چنگال بدی گرفتار آمدند».

۶۹- سقراط در برابر این اتهام که منکر خدایان است، چگونه و با طرح چه سوالاتی از خود دفاع کرد؟

«اما این افترا که من منکر خدا باشم وارد نیست. از تو می پرسم: ۱- آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد اما منکر وجود انسان باشد؟ ۲- آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود؟» ملتوس گفت «نه پیدا نمی شود» سقراط گفت «متشکرم».

۷۰- توضیح دهید: سقراط درباره ی این اتهام که او خداپرست نیست، در دادگاه چه پاسخی داد؟

سقراط: از تو ملتوس سؤال دیگری می کنم. آیا تو معتقدی که من خداپرست نیستم. ملتوس فریاد برآورد که: بلی تو منکر خدایان هستی سقراط بار دیگر پرسید: منظورت این است که من خورشید و ماه را به خدایی نمی پذیرم؟ ملتوس گفت: آری، نمی پذیری؛ ای آتینان بدانید که سقراط خورشید را سنگ می داند و ماه را کره ای خاکی. سقراط با متانت گفت: اما این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست. از تو می پرسم: آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود؟ ملتوس: نه، چنین کسی پیدا نمی شود سقراط: سپاسگزارم.....

۷۱- به نظر سقراط چه کسی نباید از خطر و مرگ بترسد؟ او در چه صورت خود را مستحق محاکمه می دانست؟

به نظر سقراط کسی که به راه درستی دست یافت و آن را در پیش گرفت، هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد. او در صورت سر پیچی از فرمان خدا خود را مستحق محاکمه می دانست زیرا می گفت مدعی دانشی شده ام که در حقیقت فاقد آن هستم.

۷۲- اندیشه سوفسطائیان و تأثیرات سوء آن بر جامعه آتن چه بود و چه کسی پرچم مخالفت با آنان را بر افراشت؟

۱- آنان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابقی با واقعیت ها ندارد.

۲- آنان با کمک اقسام مغالطه وجدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود میپرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیری گذاشتند

در چنین شرایطی ۱- جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می گرفت و ۲- حق طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه کم رنگ می شد. سقراط پرچم علم و فضیلت را بر افراخت و برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرد و شالوده ی تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.

۷۳- هدف سقراط از گشت و گذار در میان مردم چه بود و چرا آن را وظیفه ی خود می دانست؟

اومی گفت: من هیچ گاه از بیدار ساختن و سرزنش شما و پند دادن به شما باز نمی ایستم. شما همه جا مرا در کنار خود می یابید... من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن سکوت کنم. من هم با تهیدستان و هم با توانگران همنشینم تا از من بپرسند و به سخنان من گوش فرا دهند... زیرا این رسالتی است که خداوند باندهای غیبی و در رؤیاها بر عهده من نهاده است.

۷۴- سقراط رسالت خود را چه اموری عنوان می کرد و چه کسی این رسالت را بر عهده او گذاشته بود؟

سقراط می گفت: «من هیچ گاه از بیدار ساختن، پند دادن و سرزنش یکا یک شما باز نمی ایستم، شما همه جا مرا در کنار خود می یابید. من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن سکوت کنم. من هم با تهیدستان و هم با توانگران همنشینم تا از من بپرسند و به سخنان من گوش فرا دهند. این رسالتی است خداوند با ندهای غیبی در رویاها بر عهده من گذاشته است..»

۷۵- استدلال سقراط در دادگاه آتن در خصوص اتهام انکار خدایان، چه بود؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟ (سقراط چگونه

وجود خدا را اثبات کرد؟) اما این افتراء که من منکر خدا باشم، وارد نیست. از تو می پرسم: آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد؟ ولی وجود خداوند را منکر شود.

۷۶- سقراط پس از کاوش و جستجو برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که

دانشمند حقیقی به چه نتیجه و تحلیلی می رسید؟

کاوش و جست و جوی من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده که گروه بزرگی به غلط مرا دانا بنامند؛ در حالی که من دانا نیستم. شاید به این دلیل که هر بار نادانی کسی را آشکار می کنم، حاضران مجلس گمان می کنند که آنچه را آنها نمی دانند، من می دانم؛ حال آنکه دانای حقیقی فقط خداست. راز سروش معبد دلفی که در الهامی به دوستم کرفون گفته بود داناترین مردم سقراط است، همین بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم. البته خیال می کنم نام مرا به عنوان مثال طرح کرد تا بگوید: داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند.

۷۷- سقراط دربارهٔ مسألهٔ مرگ تفاوت خود را با دیگران در چه نکته ای می داند؟

باری، اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر این سخن راست است که همهٔ در گذشتگان در آنجا گردآمده اند، پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی بر خود نهاده اند، رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبه رو شود و با نیکان و بلند مرتبگان همنشین گردد! اگر مرگ این است، حاضرم بارها به کام مرگ روانه شوم. اکنون وقت رفتن فرا رسیده است؛ من به سوی مرگ می روم و شما به سوی زندگی. نصیب کدام یک از ما. بهتر است؟ جز خدای کسی نمی داند

۷۸- سقراط در باره مرگ چه اعتقادی داشت؟

مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر این سخن راست است که همه ی در گذشتگان در آنجا گرد آمده اند، پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی بر خود نهاده اند رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبرو شود و با نیکان و بلند مرتبگان همنشین گردد».

تمرینات و فعالیت های درس چهارم

□ اندیشه ص ۳۹

۱- الف- «من هیچ گاه از بیدار ساختن، پند دادن و حتی سرزنش کردن یکایک شما باز نمی ایستم و شما همه جا مراد رکنار خود می یابید... من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن، لب از گفتار فرو بندم. من هم باتهی دستان و هم باتوانگران همنشینی می کنم تا از من بپرسند و به سخنان من گوش فرا دهند...»

ب- خیر، زیرا این رسالتی است که خداوند با نداهای غیبی و در رؤیایها برعهدهٔ من نهاده است.»

۲- زندگی سقراط حکایت واقعی فلسفه است. او باروشاحیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرده و شالودهٔ تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.

۳- اندیشه های سوفسطائیان، آنان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشهٔ خود می پرداختند و بر شیوهٔ زندگی مردم تأثیر می گذاشتند. تحت تأثیر چنین اندیشه هایی، اخلاق و فضیلت میان مردم کم رنگ شده بود و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند.

۴- بله، فضیلت و ثروت؛ او می گفت: نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت،

فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هرچه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید

عقل، عقل گرایی سقراطی دو نتیجه مهم به همراه دارد. اول آنکه فضیلت که تضمین کننده عمل خیر است، معرفت است و دوم

اینکه فضیلت برای خوشبختی کفایت می کند.

جهل، از نظر سقراط و هر انسان خردمندی ندانستن و جهل یک نقص و عیب محسوب می شود و هر کس باید در پی رفع این نقص و عیب باشد. دانستن و علم یکی از بزرگ ترین فضائل انسانی است و هر قدر که علم و دانش انسان بیشتر شود. قدر و منزلت او افزایش می یابد. بزرگ ترین کار سقراط مبارزه با جهل و نادانی مردم بود. او معتقد بود که سوفیست ها و مغالطه کاران مردم را در جهل و نادانی نگه می دارند و به غلط می اندازند.

□ اندیشه ص ۴۲

۱- زیرا اشاکیان سقراط در جهل مرکب زندگی می کردند یعنی انسان اموری را نمی دانند نسبت به نادانی خویش نیز نادان است؛ بنابراین این نمی دانند که نمی دانند. سقراط حقیقتاً به خدا اعتقاد داشت و او به مغالطه و فریب وزیر پادگذاشتن ارزشهای اخلاقی اعتراض داشت و از مردم می خواست که به خدای برتر که همه چیز را می داند، ایمان داشته باشند و بار دیگر فضیلت‌های اخلاقی را زنده کنند.

۲- بله، **خدا**؛ او اموری مانند خورشید و ماه را خدای جهان نمی دانست. او به خدایی معتقد بود که از دیده ها نهان است و برترین است و برای این اعتقاد خود استدلال می کرد. استدلال او این بود که آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود.

مرگ: شجاعت سقراط و نترسیدن وی از مرگ است. او مرگ را یک انتقال به جهان دیگری دانست. این انتقال اگر با سربلندی و عزت باشد، شیرین است. اما اگر با خواری و ترس و جهل باشد، تلخ و زیان آور است.

۳- الف - زیرا آن را مقدمه حکمت و دانایی و خودآگاهی می دانست.

ب - "چیزی نمی دانم" سقراط و چیزی نمی دانیم سوفسطاییان:

۱- سقراط معتقد بود که سوفیست ها و مغالطه کاران مردم را در جهل و نادانی نگه می دارند و به غلط می اندازند. او با فخر فروشی سوفسطاییان از طریق علم به شدت مخالف بود. اگر کسی که به اندکی از دانش رسیده خود را برتر از دیگران بیندارد و تکبر داشته باشد، از حقیقت دانش دور شده است.

۲- "چیزی نمی دانم" سقراط "چیزی جز مقدمه حکمت و دانایی و تواضع و فروتنی و خودآگاهی و رهایی از جهل مرکب نیست در حالی که چیزی نمی دانیم سوفسطاییان" چیزی جز نمی توانیم بدانیم و غرور و تکبر و خودبینی و توأم با جهل مرکب می باشد.

□ نمونه سوالات تالیفی درس ششم امکان شناخت

@ جاهای خالی را با کلمات مناسب پُر کنید:

- ۱- یکی از ویژگی های انسان است. که به کامل می شود.
- ۲- انسان با اشیا و پدیده های پیرامون خود از طریق ارتباط برقرار می کند و از آنها استفاده می کند.
- ۳- ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود داریم.
- ۴- شناخت ما از جهان امری است.
- ۵- علی رغم گستردگی شناخت ما از جهان و خود، شناخت ما است.
- ۶- گاهی ما در شناخت دچار می شویم.
- ۷- افراد مختلف در باره موضوع نظرها و باورهای متفاوت دارند.
- ۸- تأمل در باره مسئله شناخت، موجب پرسش در باره گوناگون شناخت می شود.
- ۹- معرفت شناسی بخشی از است که به خود پدیده می پردازد.
- ۱۰- معرفت شناسی همیشه از فلسفه بوده است.
- ۱۱- هنگامی که فیلسوفی درباره موضوعی مانند هستی، جهان و انسان میاندیشد، ناگزیر درباره خود و دید گاهی دارد.
- ۱۲- امکان معرفت امری است که گاه به علل انکار می شود.
- ۱۳- کسی به طور طبیعی در معرفت شک نمی کند.
- ۱۴- تفاوت در باعث تفاوت در مکتب های مختلف فلسفی است.
- ۱۵- انسان با عمل و در مسیر شناخت پیش می رود.
- ۱۶- علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، ما در مجموع محدود است.
- ۱۷- معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان و است که نیازی به تعریف ندارد.
- ۱۸- هم معنای و هم رسیدن به شناخت و معرفت برای هرانسانی روشن است. -
- ۱۹- دانش بشر با دستیابی به درباره اشیا؛ از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و آنها، پیشرفت می کند و کامل تر می شود.
- ۲۰- ما آگاه هستیم که در کنار آن دانسته ها و آموخته ها، ... فراوان دیگری هم در عالم هست که آنها را نمی دانیم و نمی شناسیم.

@ پاسخنامه: ۱- شناختن/تدریج ۲- شناخت ۳- شناخت ۴- تدریجی ۵- محدود ۶- خطا ۷- واحد ۸- ابعاد ۹- فلسفه/شناخت ۱۰- جزئی ۱۱- اندیشیدن شناخت ۱۲- بدیهی پیچیده ای ۱۳- امکان ۱۴- دیدگاه ها ۱۵- آموختن/یادگیری ۱۶- شناخت ۱۷- روشن/بدیهی ۱۸- معرفت/امکان ۱۹- دانش های جدید/تصحیح معلومات ۲۰- حقایق

@ تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام عبارت غلط می باشد:

- ۲۱- یکی از ویژگی های انسان، شناختن است.
- ۲۲- مابادیگری سخن میگوییم، اینکه به سمت چیزی میرویم یا از چیزی دور میشویم. نشانه توانایی ما در دانستن است.
- ۲۳- می کوشیم از خطرها فاصله بگیریم و به سمت چیزی برویم که به آن تمایل داریم همه اینها ناشی از عقل وحس است.
- ۲۴- بنابراین شکی نیست که ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم.
- ۲۵- شناخت ما از جهان، امری است که به تدریج حاصل نمی شود بلکه امری دفعی است.
- ۲۶- انسان باعمل آموختن و یادگیری، نمی تواند در مسیر شناخت پیش می رود.
- ۲۷- علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما در مجموع نامحدود است.
- ۲۸- در کنار دانسته ها و آموخته ها، حقایق بسیاری دیگری در عالم هست که آنها را می شناسیم.
- ۲۹- گاهی متوجه میشویم که بعضی از چیزهایی که فکر میکردیم آنها را میدانیم، درست نبوده و مادر موردشان دچار خطا شده ایم.
- ۳۰- گاهی متوجه می شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند.
- ۳۱- تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت، موجب میشود پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما مطرح شود.
- ۳۲- "انسان شناسی" آن بخشی از فلسفه است که به خودپدیده شناخت می پردازد و می کوشد به اینگونه پرسشها پاسخ دهد.
- ۳۳- هنگامی که فیلسوفی درباره موضوعاتی مانند هستی، جهان و انسان می اندیشد، ناگزیر درباره خود اندیشیدن و شناخت نیز دیدگاهی دارد.
- ۳۴- در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث منطقی طرح می شد.
- ۳۵- امروزه به علت طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده است.
- ۳۶- امروزه فلسفه مباحث معرفت شناسی به صورت شاخه فرعی که به نظریه معرفت یا معرفت شناسی مشهور است.
- ۳۷- معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان روشن است که نیازی به تعریف ندارد.
- ۳۸- وقتی که از کودکی میپرسیم «میدانی توپت کجاست؟» او میگوید «آری می دانم» نسبت به معنای، "میدانم" جاهل است.
- ۳۹- شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست.
- ۴۰- اگر کسی به شکاکیت مطلق معتقد باشد، گرفتار تناقض شده و همین نظر او باشک مطلق ناسازگار است.
- ۴۱- چرخه تکمیل دانش نجوم همچنان ادامه دارد و ممکن است به نتایج جدیدتری برسد.
- ۴۲- سوفیستها معتقد است انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی تواند به علمی که مطابق با واقع باشد، برسد.

@جواب ها: ۲۱-ص ۲۲-ص ۲۳-غ ۲۴-ص ۲۵-غ ۲۶-غ ۲۷-غ ۲۸-ص ۲۹-ص ۳۰-ص ۳۱-ص ۳۲-غ ۳۳-غ ۳۴-ص

۳۵-ص ۳۶-غ ۳۷-ص ۳۸-غ ۳۹-ص ۴۰-غ ۴۱-ص ۴۲-ص

۴۳-هر یک از گزینه های ستون راست با یکی از گزینه های ستون چپ مناسبت دارد، آنها را در کنار هم

بنویسید؟ (یک مورد اضافی است)

- | | |
|---|---|
| ۱- شکاکیت مطلق | الف- عدم نیاز به تعریف |
| ۲- معنا و مفهوم معرفت و شناخت | ب- عدم امکان شک در اصل دانستن همه دانسته ها |
| ۳- امکان معرفت | ج- امر عقلی و فکری |
| ۴- بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می پردازد. | د- امر بدیهی و روشن |
| | ذ- معرفت شناسی |

@پاسخنامه: ۱-ب ۲-الف ۳-د ۴-ذ

۴۴-موارد سمت راست را با موارد سمت چپ انطباق دهید: (دومورد اضافی است)

- | | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| ۱- شناخت ما از جهان | الف- جزئی از فلسفه است. |
| ۲- معرفت شناسی | ب- امری تدریجی است. |
| ۳- مباحث معرفت شناسی در گذشته | ج- نامحدود است. |
| ۴- مباحث معرفت شناسی امروزی | د- طرح در ضمن مباحث فلسفی است. |
| | ذ- به صورت شاخه مستقل است. |
| | و- امر تجربی و جزئی است. |

@پاسخنامه: ۱-ب ۲-الف ۳-د ۴-ذ

@سوالات پاسخ کوتاه

۴۵- نمونه هایی از گزاره های درست در باره «شناخت» بنویسید.

- ۱- انسان می تواند اشیا را بشناسد.
 - ۲- شناخت انسان می تواند خطا و اشتباه باشد.
 - ۳- انسان علاوه بر امور محسوس امور نامحسوس را هم می تواند بشناسد.
 - ۴- برخی امور هم از طریق حس و هم از طریق عقل قابل شناخت می باشند.
- ۴۶- نمونه هایی از گزاره های نادرست در باره "شناخت" بنویسید.

- ۱- انسان قادر به شناخت چیزی نیست.
- ۲- شناخت انسان همواره خطا و اشتباه است.
- ۳- انسان فقط می تواند امور محسوس و قابل تجربه حسی را بشناسد.
- ۴- انسان در شناخت امور محسوس هم همواره خطا می کند.

۵۵- انسان چگونه به وسیله «شناخت» با اشیا و پدیده های اطراف خود ارتباط برقرار می کند؟ مثال بزنید.

یکی از ویژگی های انسان شناختن است. ما اشیا و پدیده های پیرامون خود را شناسایی می کنیم و از طریق این شناخت با آن ها ارتباط برقرار کرده و از آن ها استفاده می کنیم. افراد و اشیا را می بینیم، صدای آن ها را می شنویم؛ با حواسمان بسیاری از ویژگی های آن ها را حس می کنیم. همین که با دیگری سخن می گوئیم به سمت چیزی می رویم از چیزی دور می شویم و می کوشیم از خطر ها فاصله بگیریم و به سمت چیزی که تمایل داریم می رویم، ناشی از دانستن و شناختن است.

۵۵- آیا شناخت انسان به محسوسات محدود است؟ توضیح دهید.

خیرگاهی درباره اموری برتر از حواسمان هم فکر می کنیم؛ مثلاً درباره گذشته یا آینده و در باره موجودات نامحسوس و جهانی غیر از جهان مادی می اندیشیم و در این زمینه هانظر و باوری هم داریم. بنابر این شکی نیست که ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم.

۵۶- چرا می گوئیم یکی از ویژگی های انسان «آموختن» است؟

زیرا می دانیم که شناخت ما از جهان امری است که به تدریج حاصل می شود، چنین نیست که ما از آغاز تولد همه چیز را بدانیم بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم. یعنی با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت پیش می رویم؛ از این رو یکی از ویژگی های انسان آموختن است.

۵۷- چرا معنا و مفهوم «معرفت» بی نیاز از تعریف است؟ با مثال توضیح دهید.

زیرا معنا و مفهوم معرفت چنان روشن و بدیهی است که نیازی به تعریف ندارد. حتی وقتی از یک کودک می پرسیم "می دانی توپت کجاست؟" او می گوید: "آری میدانم"، نسبت به معنای می دانم آگاه است و اگر ابهامی هم از جهت کلمه ولغت باشد با بیان معادلی، ابهام رفع می شود. مثلاً می گوئیم معرفت یا شناخت همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است. یعنی وقتی می گوید: "توپ آنجاست" به وجود توپ در آنجا آگاه و عالم است و ما بازای آگاهی او، یک توپ است که در آنجاست.

۵۸- چرا سوفیست ها به این نتیجه رسیدند، که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارند؟

سوفیستها که به علت استفاده از مغالطه های مختلف در گفت و گوها و در محاکم قضایی هرباطلی راحق جلوه می دادند به تدریج به این نظر رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی تواند به علمی که مطابق با واقع باشد، برسد.

۵۹- نظریه گرگیاس درباره شناخت و امکان شناخت چیست؟

اولاً چیزی وجود ندارد. ثانیاً اگر هم چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد. ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید

۶۰- بدیهی بودن امکان معرفت برای انسان را با مثال تبیین کنید.

هم اکنون که این کتاب را گشوده ایم و می خوانیم، به دلیل وجود هزاران هزار علم و معرفت درماست. ما وجود خودمان را درک می کنیم. وجود افراد و اشیای پیرامون خود را حس می کنیم و کمترین تردیدی نداریم که اشیایی در پیرامون ما هستند. بنابراین کسی به طور طبیعی در امکان معرفت شک نمی کند.

۶۱- آیا شک در توانایی ما برای شناخت برخی از امور، به معنای شک در امکان شناخت است؟ توضیح دهید.

خیر زیرا هم معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است. بنابراین این شکاکیت مطلق یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است.

۶۲- یک نشانه برای توانایی بشر در شناخت اشیا پیرامونی بنویسید.

از آنجا که بشر به طور طبیعی به امکان شناخت خود و پدیده های دیگر باور داشته و وجود اشتباه را به معنای ناتوانی بشر در کسب معرفت تلقی نمی کرده، از ابتدای زندگی خود روی زمین برای درک جهان تلاش کرده و معرفت و شناخت خود را افزایش داده است، سرعت این پیشرفت نیز روز بروز افزایش یافته است؛ به طوری که می گویند در سال ۱۳۹۸ نیمه عمر علم در جهان به سه هفته می رسد. یعنی هر سه هفته یک بار نیمی از دانش جهان متحول می شود؛ همین افزایش پیوسته علم، نشانه توانایی بشر در شناخت اشیای پیرامونی است.

۶۳- نمونه و مثالی از صورت های گوناگون پیشرفت دانش بشری را بنویسید؟

به طور مثال از زمان بطلمیوس تاکنون، دانش ما درباره نظام کیهانی و ستاره ها و سیاره ها پیوسته هم تکمیل و هم تصحیح شده است. منجمان قدیم می دانستند که خورشید و ماه کراتی هستند که در آسمان قرار گرفته اند؛ اما فکر می کردند که این دو کره به دور زمین می گردند. اما بعدها فهمیدند که فقط ماه است که دور زمین می گردد و این زمین که به دور خورشید می گردد. اینجا اشتباه منجمان قدیم اصلاح شد و یک نظر دیگر آنها که درست بود، باقی ماند. و به تدریج دانستند کل منظومه شمسی در فضای بیکران در حرکتند و کره ساکنی تا به حال مشاهده نشده است.

۶۴- مقصود از این که یکی از ویژگی های انسان، شناخت است، چیست؟ توضیح دهید.

مانسان ها شیوا پدیده های پیرامون خود را شناسایی می کنیم و از طریق این شناخت با آنها ارتباط برقرار کرده و از آنها استفاده می نماییم. ما اشیا و افراد را می بینیم، صدای آنها را می شنویم و با حواسمان بسیاری از ویژگی های آنها را حس می کنیم. اینکه ما با دیگری سخن می گوئیم، اینکه به سمت چیزی می رویم یا از چیزی دور می شویم اینکه می کوشیم از خطرها فاصله بگیریم و به سمت چیزی برویم که به آن تمایل داریم همه اینها ناشی از دانستن و شناختن است.

۶۵- دانش بشر به چند صورت پیشرفت می کند؟ بنویسید.

دانش بشر به دو صورت پیشرفت می کند و متحول می شود:

اول: دست یابی به دانش های جدید در باره ی اشیا؛

دوم: از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات آن ها.

۶۶- آیا شناختی که ما انسان ها به دست می آوریم، دفعی است یا تدریجی؟ توضیح دهید

شناخت ما از جهان، امری است که به تدریج حاصل می شود. به عبارت دیگر ما از آغاز تولد همه چیز را نمی دانیم، بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم؛ یعنی با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت پیش می رویم.

۶۷- ما انسان ها چگونه در مسیر شناخت قرار می گیریم و یا این شناختی که بدست می آوریم محدود است یا نامحدود؟ توضیح دهید.

با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت پیش می رویم. علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما در مجموع محدود است؛ یعنی ما آگاه هستیم که در کنار آن دانسته ها و آموخته ها، حقایق فراوان دیگری هم در عالم هست که آنها را نمی دانیم و نمی شناسیم. علاوه بر این، گاهی متوجه می شویم که بعضی از چیزهایی که فکری کردیم آنها را می دانیم، درست نبوده و ما در موردشان دچار خطا شده ایم. چنان که گاهی متوجه می شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند.

۶۸- مقصود از چیستی معرفت را با ذکر مثالی توضیح دهید؟

معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان روشن است که نیازی به تعریف ندارد. حتی وقتی که از کودکی می پرسیم می دانی توپت کجاست؟ آگاه است. اگر ابهامی هم از جهت کلمه لغت باشد، حداکثر با بیان معادلی ابهام رفع می شود. مثلاً می گوئیم معرفت یا شناخت، همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است. به عبارت دیگر، وقتی کسی می گوید توپ آنجاست بدین معناست که او به وجود توپ در آنجا آگاه و عالم است و ما با زای آگاهی او، یک توپ است که در آنجاست.

۶۹- تاریخچه طرح مباحث معرفت شناسی در دوره گذشته و جدید را بنویسید؟

در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد. امروزه به علت طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده که به آن نظریه معرفت یا معرفت شناسی می گویند.

۷۰- آیا ما می توانیم اشیا و موجودات جهان را بشناسیم و به آن علم پیدا کنیم؟ توضیح دهید.

آری این امر بدیهی و روشن است و نیازی به تحقیق و پیدا کردن دلیل ندارد. همین که ما با طرف مقابل خود صحبت می کنیم، یا لیوان آبی را برمی داریم و می نوشیم، یا از عمل کسی خوشحال یا عصبانی می شویم، گویای آن است که ما قدرت شناخت داریم؛ در غیر این صورت، ممکن نبود ما عملی انجام بدهیم. اما جالب است بدانیم به دلیل مسائل پیچیده ای که در زندگی انسان ها وجود دارد، گاهی همین امر بدیهی نیز چه در گذشته و چه در زمان حاضر انکار شده است.

تمرینات و فعالیت های درس پنجم

□ تفکر ص ۴۵

در این فعالیت دو مسئله طرح شده است:

مسئله اول: تشخیص خطای خود و تصحیح آن: در این مسئله توجه دانش آموزان به یک نکته ظریف جلب شده است. درست است که ما خطا می کنیم. اما در عین حال می توانیم به همین خطا پی ببریم و این، خود، دلیلی بر توانایی انسان برای شناختن است.

علاوه بر این، انسان خطای خود را تصحیح می کند. یعنی دانش بعدی خود را با دانش قبلی مقایسه می کند و متوجه می شود که این دانش نسبت به دانش قبل درست است.

مسئله دوم: گفت و گو و بحث برای قانع کردن طرف مقابل: کاری که ما هنگام گفت و گو با طرف مقابل می کنیم، خودش حاوی چند پیام در زمینه شناخت است:

یکی اینکه: دو فردی که دو نظر درباره یک موضوع دارند، هر دو قبول دارند که یکی از این دو نظر درست است، نه هر دو. البته ممکن است هر دو اشتباه باشند.

دوم اینکه: هر دو قبول دارند که راهی برای تشخیص درستی یا نادرستی این نظرات هست.

سوم اینکه: هر دو می دانند که می توانند دیدگاه درست خود را به دیگری انتقال دهند و به او اثبات کنند که نظرش صحیح نیست و نظر طرف مقابل صحیح است.

چهارم اینکه: بالاخره هر دو قبول دارند که امکان شناخت برای انسان هست.

□ حل یک مسئله* ص ۴۷

در این فعالیت، اختلاف نظر درباره حقیقت رنگ به بحث گذاشته شده است. از وجود اختلاف نظر درباره یک موضوع، ممکن است کسی این نتیجه را بگیرد که انسان توانایی تشخیص درست واقعیات را ندارد. اما اگر به نوع رفتار انسان در این موارد نظر کنیم، درمی یابیم که انسان واقعاً توانایی درک حقایق را دارد. در همین مثال ذکر شده، نکات زیر قابل ذکر است:

الف) دانشمندان کنونی دریافته اند که دیدگاه دانشمندان قبلی درست نبوده است. و همین دریافت، قدمی رو به جلو است.

ب) برخی از امور واقعیت پیچیده ای دارند و ممکن است شناخت دقیق آنها سال ها و یا قرن ها طول بکشد.

ج) تلاش دانشمندان برای رفع همین اختلاف نشانه آن است که گرچه با یک مسئله مشکل مواجه اند، اما بالاخره روزی مشکل حل خواهد شد.

□ به کار بندیم* ص ۴۹

۱- دانش مادرباره کیهان و سیاره ها پیوسته هم در حال تکمیل و هم تصحیح است. از جهت تکمیل، منجمان به تدریج ستارگان و سیارات بیشتری را شناسایی کرده اند و انتظار دارند که در آینده نیز کرات دیگری را بشناسند.

۲- در جهت تصحیح نیز ستاره شناسان و کیهان شناسان به طور پیوسته برخی از دانش های گذشتگان را اصلاح نموده اند. مثلاً منجمان قدیم، عموماً فکر می کردند که خورشید به دور زمین می گردد و زمین مرکز جهان است. اما منجمان جدید پی بردند که این نظر اشتباه بوده و زمین به دور خورشید در حرکت است.

۳- اینان در حقیقت سوفسطاییان هستند (گرگیاس)، چون شکاک به کسی گفته می‌شود که معتقد است: هیچ کس «نمی‌داند» (معرفت ندارد) زیرا هیچ کس «نمی‌تواند» بداند. به عبارت دیگر شکاک منکر دو چیز است ۱- «وجود معرفت در همه یا بعضی از قلمروها» ۲- «امکان وجود معرفت در همه یا بعضی از قلمروها». او مدعی است که ما انسانهای عادی در همه یا بعضی از قلمروها حق ادعای داشتن معرفت را نداریم زیرا حصول معرفت در آن قلمروها غیر ممکن است و هیچ کس «نمی‌تواند» در آن حوزه‌ها به معرفت (به معنای دقیق کلمه) دست پیدا کند.

شکاک ممکن است یکی از سه ادعای ذیل را داشته باشد:

۱- وجود واقعیتهایی که متعلق معرفت ما قرار گیرد، مسلم و محرز نیست (شک در وجود واقعیت)

۲- اگر هم واقعیتهایی وجود داشته باشد، ما قدرت شناخت آن را نداریم.

۳- اگر هم در مواردی بتوانیم آن را بشناسیم، قدرت انتقال این شناخت به دیگران نیست.

موفق و سربلند باشید

تهیه و تنظیم سید احمد صدیقی

